

جنگ جنگ، همچنان مرغوامی کشد

این شهر عظیم که دریایی از جمعیت را در خود جای داده است، سایه افکنده بود. هواپیماهای عراقی بر شدت و کثرت حملات خود به تهران افزوده اند. بمبها هر بار سنگین تر و مخرب تر می شوند و جمع بیشتری را به خاک و خون می کشند. هر روز بر وسعت بهشت زهرا با ابعاد حیرت انگیزی افزوده می شود، ویرانه ها آبادی ها را می بلعند و بر فراز آن ها این جنگ جنگ جمهوری اسلامی است که هم چنان مرغوا می کشد و نغمه شوم "جنگ، جنگ، تانابودی" را سر می دهد.

دور جدید جنگ که شاخص آن حمله به مناطق بقیه در صفحه ۲

در اواخر هفته گذشته رهبران جمهوری اسلامی باز هم تاکید کردند که حاضر نیستند از جنگ ویرانی و کشتار دست بردارند. خمینی در سخنرانی روز پنج شنبه ۱۵ فروردین باز فتواداد که جنگ باید ادامه داشته باشد و اعلام نمود که اساس ایدئولوژی جمهوری اسلامی جنگ است و کشتار. ستاد تبلیغات جنگ با صدور بیانیه ای از تشدید حمله به مناطق مسکونی سخن گفت و رفسنجانی نیز در نماز جمعه ۱۶ فروردین تهران بر این امر تاکید کرد و پیشاپیش از حمله موشکی به بغداد که ۴ ساعت بعد به وقوع پیوست خبر داد. هفته گذشته در تهران بیش از هر هنگام دیگری وحشت حاکم بود. مرگ و ویرانی به وضوح بر روی



دوشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۶۴ برابر ۸ آوریل ۱۹۸۵
پهنا ۴۰ ریال - سال دوم شماره ۵۱

جمهوری اسلامی و وابستگی اقتصادی

در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ مناسبات سیاسی میان دولت های ایران و آمریکا رسماً قطع شد. مداخلات دایمی آمریکا در امور داخلی کشور و نفرت بیکران مردم نسبت به امپریالیستهای آمریکائی حفظ مناسبات سیاسی را غیر ممکن ساخته بود. آرزوی مردم این بود که قطع رابطه با آمریکا آغازی برای پاره کردن همه بندهای وابستگی کشور به امپریالیستهای آمریکائی و دیگر امپریالیستها باشد. اما برخلاف آرزوی مردم، سرکردگان خائن جمهوری اسلامی راه دیگری را در پیش گرفتند. آنها در جهت برآوردن منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، در برابر انحصارات امپریالیستی سر تعظیم فرود آوردند و در جهت نابودی دستاوردهای انقلاب حرکت کردند.

اینک که پنج سال از نوزده فروردین پنجاه و نه سیری می شود، مروری بر چند عرصه از اقتصاد کشور حتی با استناد به اعترافات مسئولین و نشریات رژیم و مطبوعات امپریالیستی، بعد عظیم خیانت مرتجعین حاکم را نشان می دهد. بقیه در صفحه ۶

دریغ است ایران که ویران شود!

جنگ افروزان تبهکار حاکم بر ایران و عراق روزگار مردم دو کشور را سیاه کرده اند. عذابی که اینک هم میهنان بلاکشیده ما از مقصده جویی های رژیم جمهوری اسلامی می بینند، کمتر مانند داشته است. دهها هزار جوان را در لجن زارهای مرز عراق قربانی مطامع سوداگران خود کرده اند و بیکر از هم دریده شان را در میان خاک و گل به تماشا رها کرده اند و باز می گویند کم است.

ساکتین بی دفاع شهرها را در زیر بمباران ها قتل عام می کنند، همه را داغدار و سیاه پوش کرده اند، تنها در سه هفته پایانی اسفند ۵۰۰ تن از مردم شهرها را زیر آوار بمباران ها به قتل رسانده اند و قریب ۲۵۰۰ نفر را معلول و مجروح ساخته اند و عید مردم را عزا کرده اند. مردم را دسته دسته روانه گورستان می کنند، شهرها بیک به یک ویرانه می شوند و سفاکان در حکومت نشسته همچنان تکرار می کنند که باز هم کم است.

نباید گذاشت ایران ویرانه شود. نباید گذاشت تبهکاری مرتجعین جنگ افروز از این پیشتر ادامه یابد. هر آن که عشق به مردم و مهر میهن در دل دارد نمی تواند لحظه ای هم حتی خاموش بماند. باید همه جا فریاد مرگ بر جنگ و تباہی را سر داد و همه نیروهای زندگی و همه انسان های شریف را بسیج کرد. بی گمان نیروهای صلح از جنگ طلبان پرتوان تر هستند. در خارج از کشور عمل مشترک همه ایرانیان شریف و میهن پرست، همه آن هایی که دل با مردم دارند، همبستگی بین المللی با مردم میهن ما از رف تو گسترده تر خواهد ساخت.

ما از همه سازمان ها و احزاب مترقی و از تمامی ایرانیان در خارج از کشور دعوت می کنیم تا همراه با فدائیان خلق، علیه جنگ و برای صلح بپا خیزند. توان جمهوری اسلامی برای انکار این خواست ملی بیکرانه نیست. مبارزه مشترک و پیگیر ما می تواند بر لجاج جنگ افروزان غلبه کند و صلح را به ارمغان بیاورد. در این راه لحظه ای آرام نگیریم.

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

در صفحه ۸

نظارات گسترده هزاران ایرانی در سراسر جهان علیه جنگ ایران و عراق



به دعوت فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان های حزب توده ایران در خارج از کشور برای اعتراض به تداوم جنگ خائنانه توسط رژیم جمهوری اسلامی و بمباران مناطق مسکونی توسط رژیم های عراق و ایران، نظارات و حرکات اعتراضی گسترده ای در بسیاری از شهرها و کشورهای جهان صورت پذیرفت. ما در شماره پیش نشریه "اکثریت" گزارش این اقدامات را در شهرهای بن (آلمان فدرال)، پاریس، کپنهاک (دانمارک)، آتن (یونان)، استکهلم و گوتنبورگ (سوئد)، درج نمودیم. اینک به انعکاس دنباله این گزارشات در تعداد دیگری از شهرها و کشورهای جهان می پردازیم.

بقیه در صفحه ۹

نظارات علیه جنگ ایران و عراق در بن آلمان فدرال

مصاحبه "اکثریت"

با رفیق سلطان ادرش، عضو کمیته مرکزی

حزب سوسیالیست یمن

در صفحه آخر

رژیم، مردم "خاک سفید" را

به خاک سیاه نشانده است در صفحه ۱۱

در نظام جمهوری اسلامی

"اصل بر تعدد زوجات است" در صفحه ۵

در جمهوری اسلامی

بودجه را چگونه تنظیم می کنند

در صفحه ۷

علیه جنگ، برای صلح، بیا خیریم!

جنگ جنگ، همچنان مرغوامی کشد

بقیه از صفحه اول

مسکونی در ابعادی بی سابقه و فاجعه بار است در ۱۳ اسفند آغاز شد و اکنون پنج هفته است که از شروع آن می گذرد، بی آنکه چشم انداز روشنی برای پایان پذیرفتن آن، پدید آمده باشد. رجایی خراسانی، نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل، اعلام کرده است که در سه هفته اول این دور از حمله به مناطق مسکونی تنها در ایران ۵۵۰۰ نفر کشته و ۲۵۰۰۰ نفر زخمی شده اند. مسلماً تاکنون این ارقام درشت تر شده و به ویژه اگر تعداد قربانیان حمله بدر را به آن بیفزاییم، به ارقامی می رسیم که تنها با اشتهای سیری ناپذیر رهبران جمهوری اسلامی به خون و کشتار و ویرانی می توان آن ها را تعبیر و تفسیر کرد.

سردمداران رژیم خون می طلبند؛ آن ها تنها با



تهران، عزیزان از دست رفته، خانه های ویران شده

کشتار و ویرانی در مقیاس تمامی کشور. اگر نگوییم تمامی جهان - ارضای می شوند. پیام سال نو خیمینی نشان می دهد که او به عواقب تدارک جنگ واقف است، لیکن نمی تواند از جنگ و به قول خودش مقاتله، دل بکند. او در حالی که حمله هوایی در دقایقی پیش از آغاز سال نو، و به دنبال آن صدای آژیرهای خطر و صدای هوایی ها، تهران را در اضطراب و وحشت عظیمی فرو برده بود، در گفتار نوروزی خود ابراز سرت می کرد که "ما در همه جا پیروز هستیم!" مردم صدصد و هزار هزار بر خاک می افتند و او از پیروزی دم می زند! خیمینی در همین پیام اعلام نمود امسال نیز جنگ ادامه خواهد داشت و لذا مردم هیچ خواسته ای نباید داشته باشند. وی افزود: "ملتی که برای شهادت می رود از این که فلان چیز کم است نمی نالد. اقتصادش چطور است، این مال آن هایی است که وابسته به اقتصاد هستند... آن ها این طور نیستند که دنبال آن باشد که فلان چیز فراوان باشد، نرخ کم باشد... ملتی این طوری دیگر دنبال این نیست که گوشتش ارزان است یا گران. دنبال آن نیست که کم است یا زیاد... دیگر نباید به فکر این باشد ماستان گران باشد یا دوغمان چه باشد."

این تاکیدات نشان می دهد که صدای اعتراضات مردم چنان رسا شده است که خیمینی اگر چه آن را تخطئه می کند، اما نمی تواند نادیده بگیرد. خیمینی و دیگر رهبران رژیم در سخنرانی های اخیر خود، در همان حال که فریاد "جنگ، جنگ، جنگ" را



رامهرمز، بازماندگان یک خانواده پس از بمباران

سر داده اند، مدعی شده اند که جنگ طلب نیستند. آن ها حتی به آسمان و لاهوت متوسل می شوند تا مسئولیت این همه کشتار و ویرانی را بر گردن بگیرند. اما مردم حقایق را درمی یابند. میهن داغدار ما به عیان می بیند که چه بوف های کوری بر فراز ویرانه های از شادی بال به هم می کوبند. مسئولیت هر قطره خونی که بر خاک میهن ما فرو می چکد بر عهده سرکردگان جنایتکار و جنگ افروز رژیم است. این خون هادامن این غداران را خواهد گرفت.

نامه شورای نویسندگان و هنرمندان ایران به دبیرکل سازمان ملل متحد و دبیرکل یونسکو

دبیرخانه یونسکو-پاریس

آقای دبیرکل!

همانطور که اطلاع دارید جنگ جنون آمیز ایران و عراق چنان ابعادی یافته که تکرانی به حق همه وجدانهای بیدار جهان را برانگیخته است. تا کنون بیش از نیم میلیون جوان جان خود را از دست داده، میلیونها تن از خانه و دیار خویش آواره شده و صدها شهر و روستای بی دفاع به نابودی کشیده شده اند. آنچه در این میان دریغ مر انسان با فرهنگی را بر می انگیزد آن است که حتی آثار و بناهای فرهنگی نیز از تعرض مصون نمانده اند. هم اکنون بادیوهای فرهنگی دو کشور که هر دو از گهواره های دیرینه تمدن بشری هستند در معرض خطر جدی قرار دارد. برای نمونه "مسجد جامع اصفهان" که یکی از زیباترین ابنیه تاریخی است، بر اثر بمباران آسیب دیده است و مجموعه ارزنده "نقش جهان" که از سوی "یونسکو" یکی از میراثهای فرهنگی بشر شناخته شده است، ه آن ممکن است ویران شود.

ما به نام نویسندگان و هنرمندان ایران از شما تقاضا می کنیم که تمام تلاش خود را برای پایان به نشیدن به این جنگ ویرانگر و حفظ میراثهای فرهنگی منتهای ایران و عراق به کار برید.

با احترام

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

۲۸ مارس ۱۹۸۵

روشنی می دیدند، نه تنها به آرمان انسانی خود دست نیافتند، بلکه جان خود را نیز از دست دادند. ویرانی شهرها و روستاهای بی دفاع، آوارگی صدها هزار خانواده مسالمت جو، محصول این جنگ بیپایه است. ثروت متنفذی که باید به مصرف بهسازی زندگی مردم محروم دو کشور برسد به خرید جنگ افزار اختصاص می یابد و بر اثر بمبارانهای کور و انتقام جویانه خسارت عظیمی به مراکز اقتصادی دو کشور وارد آمده است.

به تازگی دوررژیم با اجرای استراتژی موخشی "جنگ شهرها" و بمباران مناطق مسکونی غیر نظامی جهان میلیونها انسان و امنیت منطقه صلح جهانی را به خطر افکنده و مردم صلح دوست جهان را نگران ساخته اند.

در این شرایط، ما به نام نویسندگان و هنرمندان ایران از شما یاری می طلبیم تا تمام نیروی خود را برای متوقف ساختن این خونریزی نافرمان به کار برید. ما اطمینان داریم که با وجود بی اعتنائی حکام دو کشور به "منشور سازمان ملل" و "اعلامیه جهانی حقوق بشر" تلاشهای شما بی ثمر نخواهد ماند.

با احترام

شوران نویسندگان و هنرمندان ایران

۲۸ مارس ۱۹۸۵

در تاریخ ۸ فروردین (۲۸ مارس) از سوی شورای نویسندگان و هنرمندان ایران، نامه ای برای دبیرکل سازمان ملل متحد و دبیرکل یونسکو فرستاده شد. شورای نویسندگان و هنرمندان ایران لی این نامه ها از این دو مجمع جهانی خواستار شد تا همه امکانات خویش را برای پایان دادن به جنگ میان ایران و عراق بکار گیرند. متن دو نامه چنین است:

دبیرخانه سازمان ملل متحد-نیویورک

آقای دبیرکل!

جنگ خانمانسوزی که بیش از چهار سال است که میان ایران و عراق در گرفته است هر روز گسترده تر میشود. این جنگ که با انگیزه های نابخردانه ای آغاز شد، بیش از پیش پیامدهای شوم و فاجعه بار خود را آشکار می سازد. جنگ بویژه در روزهای اخیر به اوج بی سابقه ای از خشونت غیر انسانی و کشتار رسیده است.

بر اثر این جنگ لطیفه جبران ناپذیری به نیروی انسانی فعال دو کشور وارد آمده است. در میهن ما جوانانی که در انقلاب سال ۱۳۵۷ افقهای

— رسترباد فرباد اعتراض جهانی — علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام در ایران!

به دعوت فدراسیون جوانان کمونیست ایتالیا، از ایران نیز نمایندگان از سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) و جوانان توده ایران در این کنگره شرکت داشتند. آنان در طول کنگره ملاقات های متعددی با هیات های نمایندگی سازمان های جوانان مترقی سایر کشورها داشتند. هیات ایرانی در این دیدارها ضمن تاکید بر همبستگی میان جوانان جهان در مبارزه برای صلح و ترقی، وضعیت جوانان در کشورمان و سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی را به اطلاع این هیات هارساوندند و افشاکری های موثری علیه این حکومت خائن و سرکوبگر به عمل آوردند.

فعالیت های افشاگرانه در مورد

وضعیت زنان ایران در آلمان فدرال

در تاریخ ۸ و ۹ مارس در بسیاری از شهرهای آلمان فدرال تظاهرات و میتینگ هایی در رابطه با بزرگداشت و گرامیداشت ۸ مارس، روز جهانی زن برپا شد. این جشنها با حضور و همبستگی پرشور زنان مترقی دیگر کشورها، به ویژه زنان مترقی و آزادیخواه ایرانی رنک و جلوه انترناسیونالیستی خاصی داشت.

در شهر بن رفقای زن فدایی و توده ای در بزرگداشت این جشن با زنان مترقی آلمان و ترک همکاری نزدیک داشتند. آنان در جریان مراسم به افشای اقدامات هولناک و غیرانسانی و پایمال ساختن حقوق ابتدایی زنان توسط حاکمین ج.ا. پرداختند و وضعیت کلی زنان میهن، شرایط سرکوب و پیگیری و اعدام زنان، وضعیت زندانها و اخباری از مبارزات زنان و نقش آنان در جنبش توده ای را به اطلاع حضار رساندند.

در جریان این مراسم وضعیت نابهنجار زنان ترکیه نیز تشریح شد و اعدام و سرکوب زنان توسط رژیم وابسته و سرکوبگر ترکیه محکوم گردید. مشابه این مراسم در شهرهای دورتومند، بوخوم، هامبورگ، کیل، برمن و کلن نیز برگزار شد.

شرکت در کنفرانس های ایالتی

و سمینار حزب کمونیست دانمارک

از طرف کمیته همبستگی با خارجیان حزب کمونیست دانمارک کنفرانس هایی در مناطق مختلف دانمارک برگزار گردید. از طرف این کمیته از فدائیان و توده ایها برای تشریح اوضاع ایران و پاسخ به سوالات کمونیست های دانمارک دعوت به عمل آمد. در این رابطه ۸ کنفرانس و یک سمینار دوازده برگزار گردید. هیئت ایرانی در این کنفرانسها به تفصیل اوضاع ایران و روند انقلاب بهمین، وضعیت طبقه کارگر و دهقانان و مبارزات کنونی آنها علیه ارتجاع حاکم - وضعیت زنان ایران، جنبش خلق کرد و ضرورت همبستگی بیشتر با مبارزات مردم ایران تشریح گردید. سپس به سوالات شرکت کنندگان در کنفرانس های منطقه ای پاسخ گفته شد.

سمینار دوازده حزب کمونیست دانمارک با حضور ۱۵۰ نماینده از سازمان های محلی این حزب و هیئت های نمایندگی از آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا برگزار گردید. به دعوت حزب کمونیست بقیه در صفحه ۱۱

- توقف پرورش علیه جنبش دمکراتیک و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران
- پایان دادن به جنگ ایران و عراق
- متن این نامه در نشریات زیر به چاپ رسیده است.

۱- نشریه هفتگی دمکراسی خلق، ارگان مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) به تاریخ ۶ ژانویه
۲- مجله ماهانه طبقه کارگر، نشریه مرکز اتحادیه کارگران هند شماره ماه فوریه
۳- مجله هندی زبان مرکز اتحادیه کارگران هند به نام "مزدور" چاپ دهلی به تاریخ ۲ فوریه
۴- مجله صدای زنان کارگر (ژانویه-چاپ دهلی)

* روزنامه جاناسکتی (قدرت مردم) چاپ مدرس مقاله مفصلی در مورد اوضاع ایران به چاپ رسانده است. بخشی از این مقاله به وضع زنان ایران اختصاص یافته است. روزنامه مزبور با عنوان "بد رفتاری تنگ آور با زنان ایران" می نویسد: "... زنان هم از بی رحمی و شقاوت رژیم جمهوری اسلامی در امان نیستند. در سراسر کیتی بدترین و تنگ آورترین رفتارها با زنان ایرانی می شود."

در همین زمینه بولتن مرکز تحقیقات در مورد پیشرفت زنان چاپ دهلی نیز تحت عنوان "وضع غم انگیز زنان ایرانی" مقاله افشاگرانه ای به چاپ رسانده است.

همبستگی با مبارزات مردم ایران

در جشن نشریه پاتریوت

جشن هفته نامه پاتریوت ارگان محلی حزب کمونیست فرانسه در استان آلپ مارینیم که در روزهای ۱۶ و ۱۷ ماه فوریه در شهر نیس برگزار شد، همبستگی مردم ترقیخواه و نیروهای انقلابی را با مبارزات مردم ایران به نمایش گذاشت. غرفه مشترک هواداران حزب توده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثريت) در فرانسه با شعارها و پوسترهایی مبنی بر آزادی زندانیان سیاسی و قطع جنگ و هم چنین افشای حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی پوشانده شده بود. در طول جشن جمع کثیری از غرفه ایران بازدید کرده و با امضا نامه های اعتراضی همبستگی خود را با مردم ایران برای آزادی انقلابیون در بند و قطع جنگ اعلام کردند.

کنگره فدراسیون جوانان کمونیست

ایتالیا

بیست و سومین کنگره فدراسیون جوانان کمونیست ایتالیا در روزهای ۲۱ الی ۲۴ فوریه در ناپل ایتالیا برگزار گردید. این کنگره در مدت سه روزه تدوین و بحث برنامه و سیاست فدراسیون جوانان کمونیست ایتالیا پرداخت. در این کنگره علاوه بر نمایندگان ایالتی و شهری فدراسیون جوانان، هفت نماینده از طرف احزاب و سازمان های جوانان و جنبش های صلح از کشورهای مختلف شرکت داشتند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی روز به روز بیشتر در نزد افکار عمومی جهانیان افشاشده و هر روز بیش از پیش مطرود و منزوی می گردد. جنون جنگ طلبی، دستگیری، شکنجه و اعدام انقلابیون، سرکوب حرکت های توده ای، پایمال ساختن بی شرمانه حقوق زنان و ده ها عرصه دیگر از جنایات حکام رژیم، پاسخ خویش را در خشم و نفرت و طرد بشریت ترقی خواه می یابد. نیروهای مترقی جهان خشم و انزجار خویش را از اقدامات این رژیم جنایتکار به اشکال گوناگون به نمایش می گذارند. فرباد اعتراض جهانی علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام در ایران که شمره افشاکری های فداییان خلق، توده ای ها و دیگر نیروهای انقلابی ایران است. به سهم خود به رستار شدن این فرباد یاری می رساند.

هندوستان

پانزدهمین کنفرانس فدراسیون کارکنان بانک در ایالت تامیل نادو در مورد شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی در ایران قطع نامه ای صادر نمود. در این قطع نامه از شرایط حاکم بر زندان های جمهوری اسلامی و شکنجه و اعدام زندانیان شدیداً ابراز نگرانی شده است. از سوی کنفرانس فدراسیون کارکنان بانک عین قطع نامه برای دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال شد.

کنفرانس مزبور هم چنین متن قطع نامه ای را در رابطه با جنگ ایران و عراق برای دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال نمود. در بخشی از آن چنین می خوانیم: "پانزدهمین کنفرانس فدراسیون کارکنان بانک ایالت تامیل نادو متاثر است که به اطلاع شما برساند جنگ خانمانسوز بین دو کشور غیر متعهد ایران و عراق در طی ۵ سال گذشته باعث مصیبت غیر قابل بیانی برای مردم دو کشور شده است. علاوه بر ضایعات اقتصادی، جنگ در خدمت منافع امپریالیسم در منطقه خاورمیانه می باشد. ما به نام مردم هندوستان که دوستی نزدیکی با مردم این دو کشور داریم، وظیفه خود می دانیم که صدای اعتراضمان را رستار سازیم..."

نسخه هایی از این قطع نامه برای نخست وزیر هندوستان و رئیس جنبش عدم تعهد و هم چنین سفارتخانه های جمهوری اسلامی و دولت عراق ارسال گشت.

* از سوی انجمن زنان دمکرات سراسر هند خانم ویمالانادایو طی نامه ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد ضمن ابراز نگرانی و تأثیر عمیق زنان هند در رابطه با اخبار مربوط به پایمال شدن حقوق زنان در ایران، خواستار مداخله فوری وی در مورد حقوق مردم ایران شده است. در نامه مزبور خواست های زیر عنوان شده است، این خواست ها از سوی کمیته هماهنگی زنان کارگر سراسر هند نیز تأکید گردیده است.

- آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران

ژاپنی‌ها در تلاش برای گرفتن امتیاز احداث متروی تهران

در جلسه ۱۰ فروردین هیات دولت که در حضور ناشی رفسنجانی برگزار شد، اجرای پروژه متروی تهران به تصویب رسید.

هنوز جزئیات این پروژه که بر سر آن رقابت فشرده‌ای بین فرانسویها و ژاپنی‌ها درگیر است اعلام نشده است. در اوایل اسفند ماه سال گذشته یک هیات ۵ نفره از کارشناسان ژاپنی به تهران سفر کرده بودند تا نظر مساعد مقامات جمهوری اسلامی را برای گرفتن امتیاز احداث متروی تهران و نیز متروی اصفهان، جلب کنند.

تا کاشی اینووه سرپرست این هیات که در سفر خود به تهران با شهردار، مقامات وزارت کشور و وزارت خارجه دیدار کرده بود در گفتگو با کیهان اعلام کرد طرح فرانسویها باید تغییر کند. وی افزود ژاپنی‌ها طرح مناسب‌تری دارند.

آنچه که ممکن است ژاپنی‌ها را در زمینه گرفتن امتیاز احداث متروی تهران ناکام گرداند، بند و بست‌های تازه جمهوری اسلامی و مقامات فرانسوی است که بر روی انتخاب طرف قرارداد متروی تهران موثر واقع خواهد شد.

مسئولین گزینش دانشجو:

باید در مورد داوطلبان کنکور

تقتیش عقاید کامل، صورت گیرد

از سوی وزارت علوم و آموزش عالی تاریخ و نحوه ثبت نام در کنکور سراسری دانشگاهها اعلام شد. در اواخر سال گذشته مسئولین دانشجو در وزارت فرهنگ و آموزش عالی اعلام کردند که در سال ۶۴، در مورد داوطلبان کنکور سخت‌گیریهایی بیشتری به عمل خواهد آمد و بر روی آنها تحقیقات همه جانبه‌ای صورت خواهد گرفت.

در مصاحبه مذکور، نماینده هیات عالی گزینش در دفتر تحقیق و بررسی در مورد داوطلبین کنکور گفت نباید در هنگام تحقیق بر روی افراد، اصل را بر برائت گذاشت. وی گفت: "بر ما اشکال می‌کند که امر تحقیق به منزله متهم کردن افراد است. باید انتظار داشت در اخبار آمده است وقتی فساد هست، اگر بنا را بر درستی بگذاریم، ساده‌اندیشی است. لذا برای جلوگیری از ضایعات بعدی، تحقیق انجام می‌شود".

در این مصاحبه همچنین گفته شد "مراجع رسمی و موثق" (منظور وزارت ساواک رژیم است) هنوز آمادگی آنرا ندارند که از پیش برای داوطلبین کنکور پرونده تشکیل داده و لیست دانشجویان پذیرفته شده را در اختیار وزارت علوم و آموزش عالی بگذارند، لذا هیات گزینش در هماهنگی با ارگانهای اطلاعاتی علاوه بر "استعلام" از مراجع مذکور، همچنان از شیوه تحقیق مستقیم نیز استفاده خواهد کرد. نماینده هیات عالی گزینش در این مصاحبه تأکید کرد که ارگانهای امنیتی تا فرصت باقی است باید برای تحقیق در مورد شرکت کنندگان در کنکور برنامه‌ریزی کنند.

کلوله باران بصره و یازده شهر دیگر این کشور خبر داد.

در روز پنجشنبه طرفین بر شدت تهدیدهای لغتی خود افزودند. ستاد تبلیغات جنگ مجدداً حکم تخلیه شهرهای عراق را داد و سرفرماندهی ارتش عراق اعلام کرد که همه شهرهای ایران مورد حمله هوایی قرار خواهند گرفت. در این روز خمینی در طی یک سخنرانی یک بار دیگر بر تداوم جنگ تأکید کرد و جنگ و کشتار را اساس ایدئولوژی جمهوری اسلامی دانست.

روز جمعه ۱۶ فروردین رفسنجانی در نماز جمعه تهران اعلام کرد که قریباً بغداد هدف یک حمله موشکی قرار خواهد گرفت. چهار ساعت بعد این تهدید به مرحله اجرا درآمد. در این روز از جانب ایران بصره و شهرهای اطراف آن و از جانب عراق آبادان و بستان به شدت زیر آتش توپخانه قرار گرفتند.

دیدار رفسنجانی

با کارد ارسفارت فرانسه در تهران

رادیوی جمهوری اسلامی بخش مهمی از اخبار ساعت ۲ بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۱ فروردین ماه خود را به شرح دیدار رفسنجانی با کارد ارسفارت فرانسه در ایران که ماموریتش در تهران پایان پذیرفته است، اختصاص داد. بنا بر گزارش رادیوی جمهوری اسلامی در این دیدار ابتدا کارد ارسفارت فرانسه در تشریح سیاست تازه امپریالیستهای فرانسوی نسبت به رژیم جمهوری اسلامی سخنانی ایراد کرد. وی ضمن اشاره به کدورت‌هایی که در گذشته میان دولت‌های ایران و فرانسه وجود داشت تأکید کرد که "حالا وضع فرق کرده است". سپس افزود "من به سالی که در اینجا بودم کوشش می‌کردم روابط با ایران حفظ شود و وضعیت بهتری به وجود آید. حال در شرایطی که پاریس برمی‌گردد که در این روابط تحولاتی رخ داده. فرانسه مایل نیست در روابط با ایران مشکلاتی داشته باشد، البته فرانسه با جهان عرب روابط گسترده‌تری داشته و نیز با عراق و به احتمال قوی این امر باعث شده در روابط با ایران توازن حاصل نشود. علاوه بر این، مسائل مخالفین است که به فرانسه پنهان شده‌اند. فرانسه سعی می‌کند فعالیت‌های آنها را حتی الامکان محدود نماید و در این مورد موفقیت‌هایی حاصل شده است."

رفسنجانی در پاسخ به این سخنان، ضمن ابراز رضایت از مناسبات ایران با "سایر کشورهای غرب"، موقعیت رژیم جمهوری اسلامی را در قبال کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی اسرائیل قیاس کرد. او چنین گفت: "چند ماهی است که دولت فرانسه و آقای دوما (وزیر خارجه فرانسه) پیغام داده‌اند که بنا دارند روابط را اصلاح کنند فرانسه نسبت به ما بدترین سیاست را انتخاب کرد، در صورتی که می‌توانست مثل آلمان و انگلستان و سایر کشورهای غرب، جنبه احتیاط را رعایت کند. در حالی که فرانسه هم با اسرائیل و هم با اعراب روابط خوبی دارد، چگونه نمی‌تواند روابط خود را با ایران تنظیم کند. ما به خاطر آن اقامت کوتاه امام در فرانسه حاضریم نسبت به گذشته، چشم‌پوشی کنیم و روابط خود را بهبود بخشیم."

از میان رویدادها



فشرده اخبار جنگ

بمباران شهرها و مناطق مسکونی دو کشور ایران و عراق توسط هواپیماهای بمب افکن، توپخانه و موشک‌های نیروهای مسلح دو رژیم در هفته گذشته هم چنان با شدت ادامه یافته است. تنها در روزهای سه‌شنبه ۱۲ و چهارشنبه ۱۳ فروردین تاحدی از شدت حمله به مناطق مسکونی کاسته شد.

روز شنبه ۱۰ فروردین هواپیماهای ایرانی به شهر جاسان عراق حمله بردند. در همین روز کلوله باران بصره و چند شهر دیگر عراق با شدت ادامه داشت. عراق شب شنبه سنج، قزوین و سقز را بمباران کرد و جمهوری اسلامی شب یکشنبه دو موشک به مرکز بغداد پرتاب کرد. در همان شب رفسنجانی در جلسه هیات دولت شرکت جست و مدعی شد که جمهوری اسلامی از هر هنگام دیگری برای حمله به عراق آماده‌تر است.

روز یکشنبه ۵ شهر ایران و نیز پادگان حسین آباد مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت. جت‌های عراقی شب دوشنبه مریان و جنوب شهر تهران را بمباران کردند. بمباران تهران در این شب که یکی از سنگین‌ترین حمله هواپیماهای عراقی به مرکز بود، تلفات و خسارات شدیدی به بار آورد. گفته می‌شود تا فاصله ۲۰ خانه از مرکز انفجار بمب منازل مسکونی ویران شده‌اند. متعاقب این حمله از سوی جمهوری اسلامی، موشک دیگری به جانب بغداد شلیک شد. علاوه بر حمله موشکی به بغداد، به شهر میدان عراق نیز یک حمله هوایی انجام گرفت و بر روی شهرهای بصره، سید صادق، حلبچه و شاندرلی نیز به شدت آتش کشیده شد. در روز دوشنبه صانعی در مراسم ویژه ۱۲ فروردین تهران تأکید کرد که حتی تا سرنگونی صدام ادامه خواهد داشت.



باختران بعد از حملات موشکی

در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه در جبهه‌های دیگری‌های پراکنده‌ای صورت گرفت ولی در زمینه حمله به مناطق مسکونی خبر خاصی انتشار نیافت.

شب پنجشنبه ۱۵ فروردین هواپیماهای عراقی به تهران و زنجان حمله بردند و فردای آن روز باختران و همدان هدف حمله موشکی عراق قرار گرفتند. به گفته خبرگزاری جمهوری اسلامی تنهادر باختران ۲۸ نفر کشته شدند. جمهوری اسلامی نیز در این روز از حمله هوایی به داخل خاک عراق و

در نظام جمهوری اسلامی "اصل بر تعدد زوجات است"

هرچه که می‌گذارد ماهیت کراهت بار جمهوری اسلامی در همه جنبه‌های هستی اجتماعی آشکار و آشکارتر می‌شود. در برخورد با حقوق زنان در جامعه و خانواده نیز رهبران این رژیم، هر روز عمق اندیشه‌های مافوق ارتجاعی خود را بیشتر به نمایش می‌نهند. این امر در شماره جدید ماهنامه پاسدار اسلام، ارگان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم که در حکم یکی از نشریات تئوریک مهم جمهوری اسلامی است، نمود چشم‌گیری دارد.

در شماره فروردین ۶۴ پاسدار اسلام، مقاله فضاحت باری به چاپ رسیده است که "تحقیقی پیرامون مسأله ازدواج" نام دارد. سبک و سیاق این مقاله نشان می‌دهد که از جانب فرد یا افرادی نوشته شده که در حوزه علمیه قم برای جمهوری اسلامی خط تعیین می‌کنند و به همین جهت باید آن را یک سند، که آیین تمام نمای شیوه نگارش سردمداران جمهوری اسلامی به زبان است، قلمداد کرد.

در مقاله مذکور از مطالب مختلفی سخن رفته است: از توصیه به والدین که در عتفوان بلوغ برای فرزندانشان هوس اختیار کنند و از توصیه به دانشجویان که برای راحتی خیال در جستجوی زن صیغه‌ای باشند تا دادن این حکم کثیف که همه اعتصاب‌های کارگری در غرب به "دلیل افزون خواهی در عیاشی و خوش گذرانی است." اما مهم ترین بخش این مقاله به بحث پیرامون تعدد زوجات اختصاص دارد. ما در زیر عیناً بخش‌هایی از این قسمت مقاله پاسدار اسلام را نقل می‌کنیم. این گفته‌ها به گونه‌ای لخت و آشکار جوهر چرکین و عفونت بار اندیشه کسانی را نشان می‌دهد که بر همین ما حکومت می‌کنند... در تک تک جملات این مقاله مشتمل کننده توهین به شخصیت زن توهین به

خانواده، به انسان و به کل جامعه به روشنی نمایان است:

"مدتی پیش تصمیم بر این بود که درباره تعدد زوجات مقاله‌ای منتشر سازیم ولی همکاران وسوسه می‌کردند که نشر چنین مطلبی باثوان را خشمگین می‌سازد و از نظر تقیه اجتماعی مصلحت نیست. البته به نظر می‌رسد وجوب نهی از منکر نسبت به تیتراهایی که در ورود این مسأله برخلاف حکم خدا منتشر شده است به حدی از اهمیت برخوردار بود که تحمل خشم باثوان و یاوران آنان را لازم می‌دانستیم ولی توافق به دست نیامد تا این که مطالب ارزنده و آموزنده حضرت آیت الله العظمی منتظری دام ظلّه راه را برای بحث مختصری درباره این مطلب گشود. گرچه ایشان به نکته مهمی اشاره فرمودند که مورد توجه نبود و آن ضرورت احیای این امر است در شرایط خاصی مانند جنگ که تلفات مردان بسیار است، بلکه همیشه به دلیل بیشتر بودن زنان و این که مردان بیشتر در معرض تلفند، تعدد زوجات یک ضرورت اجتماعی است...

بعضی از مفسران و انمود کرده‌اند که حکم اولی در اسلام وحدت هوس است و تعدد تنها در شرایط خاصی مجاز است! حال آن که... مسأله به عکس این توهم است و آن چه ابتدا مطلوب شارع مقدس است تعدد زوجات می‌باشد و شرط برای وحدت هوس ذکر شده و فرموده است اگر بیم آن دارید که عدالت برقرار نشود به یک زن اکتفا کنید، ولی برای تعدد هوس شرطی ذکر نشده است... تعدد مقید به تمایل مرد شده است.

و اما این تصور که تنها به کسی اجازه تعدد زوجات داده می‌شود که از روی هوس و هوس نباشد، خلاف آیه و خلاف روایات بسیار و خلاف طبیعت

انسان است. اصولاً انگیزه اصلی ازدواج هوس و هوس است... جای تعجب است که در مقام پاسخ گویی به ایراد غربیان شواهدی که ذکر می‌شود، همه نشان گر این است که ضرورت اجتماعی مستلزم تشریع تعدد زوجات است. این یک تناقض گویی است که با اقرار به ضرورت اجتماعی تعدد زوجات گفته شود که این حکم اختصاص دارد به دوران سابق که زندگی ساده و آسان بود... اگر تعدد زوجات یک ضرورت اجتماعی است چه فرقی میان جامعه امروز و دیروز است...

فقط تعدد زوجات را مستحب می‌دانند، نه مباح. استحباب ازدواج با داشتن یک هوس زایل نمی‌شود، بلکه تعدد نیز مستحب است... علما هیچ کدام بر این مسأله حاشیه‌ای نزده‌اند و من جمله حضرت امام دام ظلّه...

و اما مسأله عدالت، عدالت شرط تعدد زوجات نیست. هرگز نمی‌توانید عدالت را به طور کامل در میان هوسران خود برقرار کنید... ولذا حضرت امام در تحریر الوسیله می‌فرمایند رعایت چنین عدالتی واجب نیست، بلکه مستحب است.

... غربی‌ها خود نیز در برخی موارد به ضرورت این امر اعتراف کرده‌اند. پس از پایان جنگ دوم جهانی، کشورهای اروپایی دچار مشکل حادی شدند و آن بلاتکلیفی زنان هوس از دست داده بود که عدد آن‌ها به میلیون‌ها می‌رسید. بعضی از خیرخواهان آن‌ها به فکر چاره‌جویی برآمدند و متوجه شدند که بهترین راه، اجازه تعدد هوس است بلکه گفته شده است که از دانشگاه‌های آن‌ها برنامه اسلام در این باره را خواستند که بر اساس آن قانون تعدد زوجات را تنظیم کنند. ولی کلیسای نابخرده که همیشه به دلیل تعصب نابجا مانع پیشرفت و تمدن بوده است، این بار نیز موجب فلاکت و بدبختی جامعه اروپا شد..."

(تاکیدات از ماست)
* اشاره به سخنان منتظری در اسفند ماه است که در تشویق تعدد زوجات ایراد شد و پس از انتشار از طریق رسانه‌های همگانی موجی از نفرت و انزجار در میان مردم ببار آورد.

حدتخریب

بخشی از مصاحبه مدیر گروه کودک و نوجوان شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی با کیهان:

س- چه مشکلاتی را بر سر راه تولید برنامه‌های آموزشی و سرگرم کننده می‌بینید؟

ج- در ساخت برنامه‌های سرگرم کننده و تقریبی ما دقیقاً نمی‌دانیم از جهت تربیتی و پرورشی چه مقدار لازم است؟ از چه حدی بگذرد مخرب می‌شود.

(کیهان هوایی- ۲۲ اسفند)

شایعه باز بودن دست بخش خصوصی

رئیس شورای عالی پزشکی:

"ارزی که در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد، عمدتاً ناشی از فروش نفت است که استفاده از آن نیز می‌بایست متعلق به عموم مردم باشد، بر این اساس استفاده خصوصی از آن (در مواردی مثل اعزام بیمار به خارج) بر حسب ضوابط بسیار محدودی می‌تواند صورت بگیرد"

(کیهان هوایی- ۲۲ اسفند)

مرتبت زنان در جمهوری اسلامی

کیهان هوایی- ۲۲ اسفند:
"از سوی سازمان تربیت بدنی، آئین نامه تعیین اولویت رشته‌های ورزشی تهیه و به نخست وزیری ارسال شد. در این آئین نامه ورزش‌های عمومی و اجرای روش‌های جدید برای گسترش تربیت بدنی برای عموم و ورزش‌های خاص برای اقشار خاص مانند خواهران، معلولین و غیره در این آئین نامه پیش بینی گردیده است."

رابطه هروئین و

"ایالات متحده اسلامی"

آیت الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان:
"کمیته‌ها به تنهایی ظرف ۱۷ ماه، ۱۲۰ تن مواد مخدر و ۶۶ کیلو هروئین کشف کردند. به گفته کارشناسان این مقدار هروئین قادر است ۶ میلیون جوان را معتاد کند. اگر ۶ میلیون معتاد داشته باشیم چه کسی باید در جبهه بچند؟ انشاالله بعد از شکست صدام و برپایی حکومت‌های اسلامی در عراق و لبنان و افغانستان، ایالات متحده اسلامی تشکیل می‌دهیم و ایالات متحده آمریکا را نابود می‌کنیم."

(کیهان هوایی- ۲۲ اسفند)

در حاشیه

وزیر کار از کجا باید کسب نظر کند

وزیر کار:

"قانون کار موضوع ظریفی است و می‌بایستی دقت زیادی روی آن شود... ما پیش نویس قانون کار را به هیأت دولت و نمایندگان مجلس داده ایم و با برخی از اعضای شورای نگهبان هم صحبت شده تا پیش از این که مشکلی بر سر راه تدوین قانون کار به وجود بیاید، از همین حالا به ما تذکر بدهند" (کیهان- ۱۱ اسفند)

* جناب وزیر کار فراموش کردند بگویند در مورد این پیش نویس از وزارت ساواک جمهوری اسلامی نظر خواهی کردند. نظر اصلی و قطعی را آقای ریشه‌ری خواهند داد. آخر او بهتر می‌داند چه مشکلاتی ممکن است پیش آید!

جمهوری اسلامی و وابستگی اقتصادی

بقیه از صفحه اول

واردات و موازنه بازرگانی

سیاست وارداتی حاکم بر کشور، همان سیاست رژیم شاه است، لیکن به مراتب مخربتر. موازنه بازرگانی منفی ایران، حاصل واردات لجام گسیخته کالا، صادرات اندک غیرنفتی میباشد. امپریالیست ها، امروز به مراتب بیش از گذشته تمایل دارند که در برابر صادرات عظیم خود به ایران، کمترین مقدار کالا را از ایران وارد نمایند. جدول زیر گوشه ای از موازنه بازرگانی کشور را طی ده سال گذشته نشان می دهد:

سال	صادرات (غیرنفتی)		واردات	
	وزن	ارزش	ارزش	موازنه
۱۳۵۱	۲/۲	۳۳/۹	۱۹۳/۷	-۱۵۹/۸
۱۳۵۶	۱/۱	۴۷/۲	۱۰۰۲۹/۲	-۹۸۲
۱۳۶۲	۰/۲	۳۰/۸	۱۸۴۰	-۱۸۰۹/۸

(واحد میلیارد ریال)

(منابع: روزنامه کیهان ۶۳/۴/۲۸، مجله بانک مرکزی ایران شماره ۱۷۶، آمار بازرگانی خارجی ایران، سال ۵۵)

امروزه کشورهای آلمان غربی، ژاپن، ترکیه، ایتالیا، انگلستان و کره جنوبی، به ترتیب بیشترین سهم را در واردات ایران به خود اختصاص داده اند. انحصارات آلمان غربی، از مبادلات بازرگانی خود با ایران، سود هنگفتی می برند. آن ها در مقابل صادرات عظیم خود به ایران، تنها مقدار ناچیزی از کالاهای ایران و منجمد نفت را وارد می کنند. جدول زیر مبادلات کشور را با آلمان فدرال نشان می دهد.

سال	واردات کشور از آلمان غربی	صادرات کشور به آلمان غربی	موازنه مبادلات
۱۹۷۵-۷۶	۵/۱۹	۳/۶۴	-۱/۵۵
۱۹۸۲-۸۳	۷/۷۲	۱/۵۷	-۶/۱۵

(رقم به میلیارد مارک، هفتت نامه اشییکل)

موازنه مبادلات ایران با آلمان فدرال، در سال گذشته نیز کماکان منفی است.

سال	واردات کشور از آلمان غربی	صادرات کشور به آلمان غربی
۱۹۸۲	۷/۰۳۵	۶۱۶
شش ماه اول ۱۹۸۴	۱/۱۸۹	۲۶۲

(واحد به میلیون دلار - میل است اکونومیکال دایجست - نوامبر ۱۹۸۴)

این مبادلات کلان تنها به آلمان غربی محدود نمی شود. ژاپن، ترکیه و ایتالیا و ... هم سوده های کلانی را تصاحب می کنند. مثلاً: "سهم ژاپن در کل واردات ایران از ۱۵ درصد سال ۶۰ به ۲۵ درصد در سال ۱۳۶۱ افزایش یافت و این مساله در تاریخ مناسبات خارجی ایران بی سابقه است." (اطلاعات ۶۱/۳/۷)

حجم معاملات انحصارات ایتالیایی با ایران تا دو برابر و نیم افزایش یافت. "پیوند بازرگانی ایران و ایتالیا از ۶۸۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۹ به ۱۶۹۵ میلیون دلار رسیده است." (اطلاعات ۶۲/۴/۴)

کمی قبل از این تاریخ روزنامه ایتالیایی "کوریر دلا سرا" مورخه ۱۴ ژانویه ۱۹۸۲، فاش ساخته بود: "ایتالیا می تواند به عنوان واسطه بین تهران و غرب از "نفوذ شوروی" در ایران جلوگیری کند. ... ایتالیا در حال حاضر قراردادهایی به ارزش ۶ میلیارد دلار با ایران امضا کرده است."

حجم اصلی واردات ایران از کشورهای امپریالیستی و وابسته به امپریالیسم است. ۲۰ درصد واردات ما از کشورهای اسلامی در جهان سوم، ۸ درصد کشورهای سوسیالیستی و ۷۲ درصد واردات مربوط به کشورهای دیگر است. "جمهوری اسلامی، (۶۳/۴/۲۸)

"کشورهای دیگر" مورد نظر روزنامه جمهوری اسلامی همان کشورهای امپریالیستی و کشورهای وابسته ای نظیر کره جنوبی و برزیل می باشد؛ آن ها نزدیک به ۷۲ درصد بازار ایران را مستقیماً به خود اختصاص داده اند. از ۲۰ درصدی که طبق جدول بندی کارشناسان رژیم سهم "کشورهای اسلامی" شده است بیشترین قسمت نصیب ترکیه شده است و در میان حجم باقیمانده نیز کشورهای نظیر پاکستان و بنگلادش سهم قابل توجهی دارند.

با توجه به این همه مبادلات کلان، این تاخت و تازهای انحصارات در امور اقتصادی کشور، سخن گفتن از تحریم اقتصادی کاملاً عجیب به نظر می رسد. مسئولین هم اعتراف می کنند: "در حال حاضر کشور ما معاصره اقتصادی ندارد؛ بلکه دنیا و به طور کلی همه شرکت های بزرگ صنعتی در دنیا به سوی ما روی آورده اند. و اتفاقاً علاقمندند که بتوانند با کشور ما همکاری کنند. بنابراین تامین قطعات مورد نیاز ماشین آلات کارخانجات و تامین مواد اولیه آن ها در حال حاضر از کانال هایی تامین می شود که در دنیا وجود دارد و آن ها نیز اشتیاق دارند که این امکانات را در اختیار ما بگذارند و باید بگویم که از این بابت مشکلی نیست." (کیهان ۶۳/۳/۲۳)

سخن فوق درست است. اکنون برای رژیم جمهوری اسلامی مشکلی به نام "تحریم اقتصادی" وجود ندارد. رژیم از طریق تامین "منافع زیاد" برای انحصارات امپریالیستی بر این مشکل غنیمت کرده است. بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین این روش را در مورد ژاپن چنین توضیح می دهد: "گسترش روابط بین ایران

و ژاپن منافع زیادی برای ژاپن دارد زیرا ایران بزرگترین بازار بالقوه ژاپن در منطقه است. چرا که با جمعیت فزاینده ۴۰ میلیونی یکی از پرجمعیت ترین کشورهای خاورمیانه است. در عین حال به دلیل ثروت های خدادادی که ایران دارد؛ نظیر کشورهای پرجمعیت منطقه فقیر نیست و قدرت خرید بسیار دارد." (بهزاد نبوی - اطلاعات ۶۱/۸/۱)

بدین ترتیب با پذیرش ایران به عنوان "بزرگترین بازار" انحصارات امپریالیستی در منطقه صحبت از محاصره اقتصادی بی معنا می شود. قرار دادهای زمان شاه با قرار دادهای تازه ای تکمیل می گردد. "هم اکنون روابط اقتصادی گسترده ای بین دو کشور (ایران و ایتالیا) موجود است. پروژه ۵ میلیارد دلاری مجتمع فولاد مبارکه با همکاری، کمپانی های ایتالیایی در حال ساخته شدن است." (اطلاعات ۶۱/۱۰/۲۸)

لازم به توجه است که طبق قرارداد اولیه هزینه طرح فولاد مبارکه ۳ میلیارد دلار برآورد شده بود که ۱/۲ میلیارد دلار گران تر از ارزش خود در آن روز بود، اینک مشاهده می کنیم که بعد از آن همه امتیازات اولیه؛ رییس بانک مرکزی اعتراف می کند که هزینه طرح به ۵ میلیارد دلار رسیده است. وضع در دیگر عرصه های اقتصادی و صنایع نیز به همین منوال است؛ به عنوان مثال معاون وزیر نفت اعلام کرد که: "قرارداد ژاپن این بود که با ۲۵ میلیون دلار پتروشیمی را بسازد. رژیم گذشته با این امر موافقت کرد و این مساله اکنون به ماریده است و ما وارث این قرارداد شده ایم." بنا به اعتراف وی هزینه طرح به ۴/۲ میلیارد دلار رسیده است. (اطلاعات ۶۱/۱۰/۲۸)

در قرارداد پتروشیمی ایران و ژاپن، طرف ایرانی متعهد شده است که ماده خام، یعنی گاز مورد نیاز این مجتمع را به ازای هر ۱۰۰۰ فوت مکعب ۲ سنت از تاریخ بهره برداری به مدت ۱۲ سال به شرکت "ایران - جاپان پتروکمیکال کمپانی" تحویل دهد. معاون وزیر نفت جمهوری اسلامی در این باره می گوید: "چنین معامله شربینی در هیچ کجائی نتواند سابقه داشته باشد که گاز سرچاه را به قیمت واحد انرژی از آن ۲ سنت آمریکایی، یعنی هفت در نظر گرفته اند." (اطلاعات ۶۰/۱۰/۲۸)

حال ناگفته نماند که ژاپن به جای تحویل گاز در سرچاه، هزینه تصفیه و حمل آن را به طرف ایرانی واگذار کرد. این هزینه برای ایران بالغ بر ۱/۲ میلیارد دلار خواهد شد. و باز ناگفته نماند که در تصفیه همین گاز طبیعی، اتان، پروپان، و بوتان تفکیک شده و ژاپن میتواند فقط بوتان را معادل ۴۰۰ دلار برای هر بشکه به فروش برساند.

وابستگی صنایع

صنایع کشور می تواند بر پایه سیاست اقتصادی اصولی، از یوغ وابستگی رها شده و پشتوانه رشد و ترقی کشور قرار گیرد. لیکن به واسطه خیانت حکام جمهوری اسلامی، چنین استقلال تامینی نشد. وابستگی صنایع کشور به امپریالیسم امروز نیز بقیه در صفحه ۷

در جمهوری اسلامی بودجه را چگونه تنظیم می‌کنند

بالاخره با هزار سلام و صلوات در شب عید لایحه بودجه سال ۶۴ کل کشور را تصویب کردند. آخرین نظرات شورای نگهبان را هم با یک قیام و قعود در لایحه وارد نمودند و سپس برای اجرا به دولت ابلاغ شد. اما اینکه بودجه در جمهوری اسلامی چگونه تنظیم می‌شود خود از عجایب و نوادر روزگار است. بودجه را در هر کشور بناچار با اتکا به برنامه‌های دقیق و آمار صحیح تنظیم می‌کنند. اما بودجه نویسی به سبک جمهوری اسلامی کاری به برنامه و آمار ندارد. یکی از نمایندگان مجلس رژیم بودجه مصوبه را چنین توصیف می‌کند:

"بودجه آمار و برنامه می‌خواهد، در این لایحه کدام آمار، حدود دارد؟"

پرسش این است که بدون آمار و برنامه چگونه می‌شود بودجه را تنظیم کرد. پاسخ اینست که ابتدا در سازمان برنامه مشتی ارقام را به ترتیب روبروی یکدیگر به عنوان مداخل و مخارج ردیف می‌کند. سپس در کمیسیون برنامه و بودجه مجلس این ارقام را دستکاری و جابجا می‌کند و پس از آن در مجلس شورای اسلامی پیرامون عرض و طول این ارقام جر و بحث می‌کند. نتایج جر و بحث را بالاخره به شورای نگهبان احاله می‌کند آنجا بار دیگر گوشه و کنار و برخی اوقات کمرکش آن را قیچی می‌کند. این می‌شود بودجه یکساله دولت جمهوری اسلامی.

حال شاید تصور شود که بودجه درگذر از این کاناها توسط افراد متخصص و بصیر اصلاح می شود. اما میزان تخصص و دانش نمایندگان مجلس را همه میدانیم که چقدر است. در گزارش سالنامه آماری سال ۱۳۶۱ میزان تخصص نمایندگان مجلس دوره اول نوشته شده است. در آن می خوانیم که یک سوم نمایندگان از بیان میزان تحصیلات خود امتناع ورزیدند البته نمی توان تصور کرد که همه آنها فوق لیسانس و دکتر بودند و تنها از سرفروتنی از پاسخ دادن خودداری نمودند! بخش اعظم بقیه هم تحصیلاتی میان ابتدایی و دیپلم داشتند. میزان سواد نمایندگان دوره دوم مجلس هم چیزی بهمین منوال است. از میزان "علم و فضل" علما و فضلا شورای نگهبان هم که باخیریم.

جمہوری اسلامی و وابستگی اقتصادی

بقية از صفحه ۶

چون گذشته، گسترده و اسف بار است. امروزه نیز، صنایع کشور، هم از لحاظ کالاهای سرمایه ای، کالاهای واسطه ای و مواد خام به امپریالیسم جهانی وابسته است. "هم اکنون ۸۰ درصد صنایع کشور وابسته به خارج است." (وزیر صنایع - اطلاعات - ۵/۱/۶۱)

امروزه بیش از ۱۸۰ واحد تولیدی به شرکت سرمایه های خارجی وجود دارد و صدها کارشناس ژاپنی، آلمانی، غربی، انگلیسی، ایتالیایی... مانند گذشته در سراسر ایران مشغول کارند. "تعداد شرکت های ایتالیایی در ایران (تنها در بین سال های ۶۲ تا ۶۳) از ۴۰ به ۵۰ افزایش یافت." (اطلاعات ۶۳/۲/۲۲)

پس روشن شد که لایحه بودجه کشور، بر اساس آمار، برنامه و تخصص تنظیم نمی‌شود. پس چگونه تنظیم می‌شود؟ پاسخ را از دهان نمایندگان مجلس بشنویم:

"بودجه یک بودجه ایده آل نیست ... بلکه میراث نظام گذشته است. شما اگر کتاب بودجه سال ۵۶ و ۵۷ را نگاه کنید، می بینید قالب و چهارچوب بودجه همین است فقط یک سری برنامه ها تغییر پیدا کرده و اعداد و ارقام تفاوت کرده است."

به اعتراف نمایندگان مجلس، مسئولین امور کتاب بودجه سال ۵۶ و ۵۷ را ورق زده و التویرداری و یا اگر بهتر گفته باشیم رونویسی کرده اند. اگر اعداد و ارقام را تغییر نمی دادند که افشاح میشد، ولی برنامه هاهم همان برنامه هاست :

برنامه ریزی مملکت بعد از انقلاب به دست همان برنامه ریزهائی صورت گرفته که در همان مکتبهای مغربیه مغزهایشان پرورش یافته و با بعضی از آنها که بیجه مسلمانها باشند آنها هم جرئت تغییر اساسی در برنامه ریزی مملکت را ندارند بیاخذند.

ما بعد از انقلاب هم این برنامه ریزی را بهم نریختیم و سیر حرکت بعد از انقلاب نشان میدهد که ما هیچ دستی به این برنامه ریزی نزدیم." به این ترتیب تنها اعداد و ارقام کتابهای بودجه سال ۵۶ و ۵۷ را تغییر داده و روی جلد آن مثلا نوشته اند، بودجه سال ۶۳ و ۶۴. اما مگر بخودی خود، همین تغییر ارقام و اعداد کار ساده است؟ اینک نظری به تنظیم و تعیین اعداد و ارقام بودجه بیاوریم:

"بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور از حیث درآمد ها و سایر منابع تامین اعتبار بالغ بر (۶۰۹۱۴۳۷۳۷۹۹۰۰۰) ریال است."

در نگاه نخست، دقت رقم، نظر همگان را جلب می‌کند. گویی این بار دیگر با گذشته‌ها فرق دارد. حساب یک شامی آخر هم شده است. ولی لبخند رضایت احتمالاً دیری نمی‌پاید.

شاهد است، ما از هر کس پرسیدیم این ۱۴ میلیارد چه درآمد بازرگانی گذاشتند، ۱۴ میلیارد آن را خدا

مسئولین دولتی که وابستگی کشور را محکوم می کردند، اینک خودبندهای وابستگی صنایع را محکوم تر و وسیع تر بر گرد صنایع کشور می تند. "بر تمام مقدرات این مجتمع (مجتمع فولاد اهواز) اجانب حاکم بوده اند و از طراحی و برنامه ریزی و شرکت گرفته تا در بسیاری از عملیات اجرایی، کارها توسط آمریکایی ها و ایادی مزدور هم چون آلمان غربی و فرانسه و ژاپن و انگلیس و غیره صورت می گرفته است." (اطلاعات ۶۲/۲۵)

این که در زمان شاه بر تمام مقدرات نه فقط این ملت، بلکه تمام کشور، اجانب و اگر واژه صحیح آن را به کار ببریم، امپریالیست ها حاکم بوده اند، معنی نیست، ولی امروزه مگر تفاوت قابل ملاحظه ای به چشم می خورد؟ " ۹۰ درصد تجهیزات و امکانات پروژه فولاد مبارکه اصفهان در دست ایتالیایی

است، یک کلمه پاسخ ما را ندادند، که این مبلغ از کجا تأمین می‌شود. همینطوری در ردیف گذاشتند. به امید خدا این را نمیشود بعنوان درآمد منظور کرد، باید فکری کرد که درآمد وصول شود." و باز:

"آقایان در سال ۶۲، ۲۰۵۰ میلیارد ریال بعنوان درآمد نفت گذاشتند. ما عدد را یک مقداری واقعی‌تر کردیم، ۱۸۰۰ میلیارد ریال گذاشتیم. تا الان که بنده خدمت شما هستم، بیش از ۱۲۰۰ میلیارد وصول نشده، یعنی آقایان در برابر درآمدی که خودشان تنظیم کردند که ۲۵۰ تا۱ آتراهم ما زدیم (این ۲۵۰ تا، در واقع ۲۵۰ میلیارد ریال است. که از روی تواضع گوینده، به این شکل درآمده)، حدود ۶۰۰ تاهم کم دارند و ناچار میشوند که آخر سال دست و پای همه بسته شود و استقراض را زیر فشار بگذاریم."!

پس روشن شد که لایحه بودجه‌ای که بر اساس برنامه، آمار و تخصص تنظیم نشده، از روی کتاب‌های بودجه سال ۵۶ و ۵۷ رونویسی شده، ارقام و اعداد آن را هم "همینظمی‌دری" دیف گذاشته اند.

تازه مگر بعد از تنظیم اعداد، آن را اجرا هم
میشود کرد؟ خیر. مگر میشود ارقام همینطوری
را همینطوری هم اجرا کرد:

"با همه تورمی که از خرج کردن بودجه‌های عمرانی در کشور ایجاد شده، به ترتیب ۲۴۸ میلیارد و ۱۵۰ میلیارد و ۹۶ میلیارد برگشتی از بودجه‌های عمرانی در سالهای ۶۱، ۶۲ داریم"

بگذاریم که هیچگاه با همه تورمی بودن بودجه‌های جاری و جنگی، برگشتی نداریم، ولی باید گفت که بودجه در جمهوری اسلام، معنائی ندارد.

همین بودجه چندی بعد به بودجه یک دوازدهم و ... بدل شده و دست آخر هر کس بنا به احتیاج از بیت المال رفع نیاز می‌کند. به مشکلات اجرائی بودجه هم نهداخته‌ایم که خود حدیث درازی دارد. اما برای اینکه بدانیم بودجه جمهوری اسلامی چیست، به سخن یکی از نمایندگان مجلس توجه کنیم:

"برای اینکه هر ساله یک غذایی را برای ما می آورند و آن را می پزند و ما هم آن را تصویب می کنیم .

در یک کلام، بودجه جمهوری اسلامی آتش
شله قلمکار است!

همه نقل قول ها از کیهان هوائی، ۱۵/۱۲/۶۳

هاست. " (اطلاعات - ۳ / ۱۱ / ۶۲)

در سال روز قتلح مناسبات با آمریکا با بررسی اقتصاد کشور بر اساس آمار واقعی می توان ابعاد عظیم خیانت رژیم جمهوری اسلامی را باز شناخت ، به ویژه واقعیات مربوط به تاراج ذخایر نفتی کشور گویاست . اما حتی اعترافات سرکردگان و مبلغین همین رژیم نیز گوشه هایی از این خیانت بزرگ را بر ملا می کند و نشان می دهند که برغم های و هوئی تبلیغاتی نتیجه عمل کرد جمهوری اسلامی در عرصه اقتصاد جز حفظ وابستگی کشور به امپریالیسم نبوده است .

استقلال، آزادی عدالت اجتماعی

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆

☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆

"... در کارخانه پارس خودرو، اعلامیه ای درباره اعتصاب ذوب آهن با امضای عده ای از کارگران پخش شد.

عکس العمل هیات مدیره: هیات مدیره تعدادی از کارگران را که در میان قسمتهای مختلف از احترام و اعتبار برخوردارند به دفتر احضار نموده و به بهانه های مختلف به آنها اخطار و یا تعلیق موقت از کار داده شد.

عکس العمل کارگران: در سرویس کارخانه کارگران راجع به اعلامیه صحبت می کردند. از آنجمله بر آن قسمتی از اعلامیه که گفته شده بود "کارگران متحد همه چیز، کارگران متفرق هیچ چیز" تاکید می کردند. در میان کارگران شایع شده بود که اعتصاب به نفت اصفهان نیز سرایت خواهد کرد.

در پی اعلامیه فوق اعلامیه دیگری در رابطه با انتخابات نمایندگان کارگران (منظور انتصابات تعاونی مصرف از سوی مدیریت است) با مضمون "انتخاباتی که روی رژیم آریامهری را سفید کرد" در کارخانه پخش شد که توضیحاتی در رابطه با نحوه انتخابات و دخالت مدیریت در آن داده شده بود و کارگران را به طریقه درست انتخاب کردن نماینده خود آشنا و آگاه می کرد. عکس العمل مدیریت: روز بعد اعلامیه ای از سوی بسیج کارخانه جهت تشکیل جلسه بسیج بر در دیوار کارخانه نصب شده بود. تاریخ حرکت فوق ۱۵ دی ماه بوده است."

"... یک فرد عادی که شعار سازمان را به آن درستی و تمیزی در چهارراه مصدق دیده بود به یکی از هواداران که همراه او بوده گفته است: پسر عجب جگری دارند، ببین کجا ها شعار نوشته اند! رفیق هوادار پاسخ داده است: بیخود نیست که به آنها فدایی می گویند."

"اواسط آذرماه یکی از رفقا در اتوبوسی بوده که چند شعار سازمان در رابطه با جنگ و لزوم برقرار شدن صلح روی صندوق ها نوشته شده بود یک فرد حزب اللهی تصمیم می گیرد با و سیله تیزی شعارها را خراب کند که یکی از مسافری با اعتراض و پرخاش به او می گوید: چه کار داری می کنی؟ مگر این چه نوشته؟ ارث بابات که نیست، چرا اموال بیت المال را خراب می کنی! خلاصه دعوا بالا می گیرد و حتی احتمال زدو خورد هم بوده که یکی از مسافران به آن حزب اللهی می گوید تازه اگر می خواهی این شعار را پاک کنی، از رنگ استفاده کن. که یکی دیگر داد می زند: ننگ بارتنگ پاک نمی شود! این جمله موجب خنده مسافران می گردد. در این دعوا هیچ کس طرف فرد حزب اللهی را نمی گیرد."

"از سرکار برمی گشتم. در طبقه دوم اتوبوس کنار پیرمردی نشسته بودم. ناگهان هم زمان من و آن پیرمرد، در صندوق جلویی چشمان به یک شعار افتاد. نوشته شده بود "جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند - فدائیان خلق (اکثریت)" پیرمرد بقیه در صفحه ۱۳

تور اختناق رژیم هر چه گسترده تر شود، باز قادر نیست نیروهای انقلابی را که با نیروی بی کرانه خلق به جنبش درمی آیند، از حرکت بازدارد. بر عین ظلمتی که رژیم بر سرتاسر میهن ما پراکنده است، هر چند که افزوده شود، باز نمی تواند مشعل رخشنده رزم توده ها و نیروهای پیشرو را بمیراند. اقیانوس خلق در تب و تاب است و اعضا و هواداران سخت کوش و فدائیان سازمان سوار بر امواج آن دلیرانه پیش می تازند و مشعل رزم و آگاهی را هر چه فروزانه تر می سازند آسمان که اکنون در هر گوشه و کنار، خرمن خرمن آتش برافروخته اند و قلب ثلثت را انتشار گرفته اند.

آنچه که در زیر می خوانید گوشه هایی از رزم فدائیان در داخل کشور است. گزارش زیر ادامه گزارشی است که در شماره ۴۹ "اکثریت" به چاپ رسید و به انعکاس بریده هایی از گزارش های تبلیغی اعضا و هواداران سازمان، اختصاص داشت. بریده گزارش های زیر نمونه هایی از انعکاس تبلیغات گسترده سازمان در میان مردم و عکس العمل عوامل رژیم را بازتاب می دهند:

نمونه هایی از انعکاس تبلیغات سازمان در میان مردم و عکس العمل عوامل رژیم

در سالگرد انقلاب، فعالیت ما در استان فارس به شدت اوج گرفت. پخش وسیع تراکت و اعلامیه، نام سازمان را بیش از گذشته بر سر زبان ها انداختند. درآباد، کازرون، مرودشت، نورآباد و اقلید رفقای ما ده ها هزار تراکت پخش کردند. تنها در روزهای منتهی به ۲۲ بهمن، ده هزار تراکت در شیراز پخش شد. محلات کارگر نشین و نیز فلکه ولی عصر، میدان شهرداری، فلکه گاز و چهارراه حافظیه در شیراز، به طور کامل زیر پوشش واحدهای پخش مستقیم قرار گرفتند.

بعضی از گزارش ها که به دست ما رسیده است، استقبال بی دریغ مردم را نشان می دهند. از جمله یک کارگر می گفته است فدایی ها ول کن نیستند. یک راننده تاکسی به یک نفر که در جریان پخش علنی یک تراکت به دست آورده بود، گفته: "بده آن را بچسبانم روی شیشه". اکثر مردم آشکارا و یا بدون جلب توجه دیگران، اعلامیه ها را در جیب می گذاشته اند، کمتر کسی بی اعتنائی نشان می داد..."

بعد از اوج گیری تبلیغات در ۲۲ بهمن، اطلاع حاصل کردیم که در شیراز شورای امنیت شهر جلسه ای تشکیل داده و به دنبال آن مجدداً به لوازم التحریر فروشی ها اخطار شده که جز به عوامل رژیم و افراد مشخصا معرفی شده از سوی ادارات نباید وسایلی از قبیل مرکب، استنسیل و کاغذ فتوکپی بفروشند. کنترل در سطح شهر نیز به ویژه در مناطقی که واحدهای پخش ما بیشترین فعالیت را داشته اند، افزایش یافته است. دستجات گشت حکومتی ناگهان خیابانی را بسته و رهگذرها را بازرسی بدن می کنند. علی رغم بیشتر شدن کنترل و ازدیاد گشت های پیاده و سواره، ما کارمان را به خوبی پیش بردیم و هیچ گونه دستگیری نداشتیم..."

"از چند روز مانده به ۲۲ بهمن بر میزان تبلیغات در اصفهان افزودیم. همه گزارش ها حاکی از استقبال مردم به ویژه کارگران ذوب آهن از تبلیغات سازمان است. هنوز بچه ها استقبال کارگران از اعلامیه هایی را که در حمایت از اعتصاب ذوب آهن پخش شده بود، گزارش می کنند. در یک جمع یک

کارگر تراکت سازمان را از جیب درآورده و به دیگران نشان داده و گفته است ما بی یار و یاور نیستیم، بالاخره افرادی هستند که صدای ما را به گوش دیگران برسانند..."

"در اواخر دی ماه گروه تجسس کارخانه تراکتورسازی تبریز شبانه به رخت کن کارگران هجوم آورد، قفل کمد ها را شکست و وسایل کارگران را بیرون ریخت و در جستجوی اعلامیه بهم زد روز پیش از این یورش اعلامیه های سازمان در رابطه با اعتصاب ذوب آهن در کارخانه پخش شده بود.

گروه تجسس از این پورش چیزی نصیب نشد ولی فردای آن روز به شدت اعتراضات کارگران را برانگیخت. همین امر باعث شد همه در جریان پخش اعلامیه و نیز مضمون آن قرار بگیرند"

"بزم شبانه"

شنیده ها را
بر دیوارهای نشانی
تاسیده دمان،
عابریں

انگبین و اژه ها را بنوشند.

شعارها را
به تمامی شهر می بخشی
تا آگاهی
از شرق دل ما طلوع کند

شحنه ها
در گردباد اختناق
نشانت را از ما می گیرند
ولی در برابر شوکت سکوت ما
به دخمه پاس فرو می خیزند

و تو
همچنان تکرار می کنی
بزم شبانه را.

کیل راد

تظاهرات گسترده هزاران ایرانی در سراسر جهان علیه جنگ ایران و عراق

بقیه از صفحه اول

میتینگ اعتراضی

دربار ابرسفات ایران در لندن

روز سه شنبه ۱۳ فروردین، در لندن، میتینگ گسترده ای علیه تداوم جنگ ایران و عراق و بمباران شهرها صورت پذیرفت. از سوی فداییان خلق در بریتانیا و سازمان حزب توده ایران در بریتانیا بیانیه هایی برای شرکت در این میتینگ دعوت به عمل آمده بود در برگزاری و سازمان دهی این حرکت در اعتراض به جنایات رژیم جمهوری اسلامی ایران و حکومت عراق کتبه دفاع از حقوق مردم ایران نقش مهمی داشت.

در مدت برگزاری میتینگ که در بار ابرسفات جمهوری اسلامی انجام یافت شعارهای متعددی در محکومیت رژیم ارتجاعی ایران در تداوم این جنگ خائنانه برانداخته شده، تظاهر کنندگان پلاکارتهایی به زبان های فارسی و انگلیسی با خود داشتند که در آن ها به حکومت ارتجاع در ایران و آزادی زندانیان سیاسی در ایران و عراق عنوان گشته بود. قطع نامه پایانی این میتینگ را ۲۳ نفر از اعضای پارلمان بریتانیا نیز امضا نمودند سازمان ها و انجمن های زیر از این حرکت حمایت به عمل آوردند.

انجمن دانشجویان عراقی-بریتانیا

انجمن دانشجویان کرد در اروپا-بریتانیا

سازمان حزب کمونیست یونان در اروپا-بریتانیا

سازمان ترقی خواهان سودان-بریتانیا

جبهه دمکراتیک ملی در یمن عربی-بریتانیا

جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین-بریتانیا

هواداران حزب کمونیست اسرائیل-بریتانیا

هواداران حزب کمونیست شیلی-بریتانیا

حزب مترقی مردم گویان-بریتانیا

تظاهرات نیروهای مترقی ایرانی

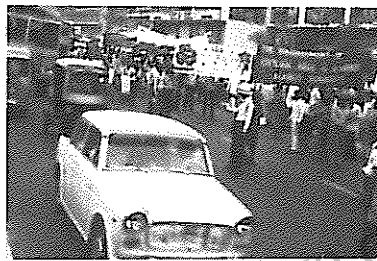
برضد جنگ ایران و عراق در دلهی نو

۱۰ روز سوم فروردین، به دنبال فراخوان فداییان خلق در هندوستان و دانشجویان هوادار حزب توده ایران در هندوستان، تظاهرات باشکوهی با شرکت جمیع کثیری از ایرانیان و نیز نیروهای هندی و فلسطینی در دلهی نو برگزار گردید. تظاهرات از محوطه ساختمان های ملبوعات آغاز گشت که جمعیت زیادی به همراه خبرنگاران، تظاهرات را مورد استقبال قرار دادند. از جلوه تظاهرات تابوتی به همراه شای دو اسکت به عنوان سمبل اعتراض به جنگ و کشتار مردم حمل می گردید که مورد توجه مردم دلهی قرار گرفت. در طول مسیر تظاهر کنندگان شعارهایی در محکومیت جنگ، در محکومیت رژیم های ایران و عراق می دادند.

صفوف راهپیمایان پس از طی خیابان های شهر به سمت سفارت جمهوری اسلامی پیش رفت. در جلو سفارتخانه نمایندگان سازمان های زیر برای شرکت کنندگان در راهپیمایی و حضار سخن رانی کردند.

فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان
فدراسیون سراسری جوانان هندوستان
فدراسیون دانشجویان هندوستان
فدراسیون جوانان هندوستان
اتحادیه دانشجویان دانشگاه جامیای دلهی
انجمن دانشجویان عراقی
دانشجویان هوادار سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت)

سخنرانان همگی بمباران مناطق مسکونی و کشته شدن مردم بی گناه را قویا محکوم کردند و خواستار قطع فوری جنگ گردیدند. در پایان تظاهرات قطع نامه ای از طرف شرکت کنندگان خوانده شد که نسخه ای از آن به سفارتخانه های ایران و عراق نیز داده شد.



تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق در دلهی-هندوستان

خبر و گزارش این تظاهرات همراه با عکس در اکثر روزنامه های دلهی انتشار یافت. منجمده روزنامه های ایندین اکسپرس (۲۵ مارس)، تایمز هندوستان (۲۴ مارس)، روزنامه ج.ئی.یوک (۲۴ مارس)، قومی آواز (۲۴ مارس) و... روزنامه نشنال هرالدر شماره ۲۴ مارس خود می نویسد: "سازمان های گوناگون از ایران، عراق، فلسطین و هندوستان امروز یک راهپیمایی بزرگ را به طرف سفارت خانه های ایران و عراق سازمان دهی کردند و خواستار پایان دادن به جنگ بی معنا و خونین بین دو کشور شدند. قطع نامه ای به نماینده های دوفسارت داده شد. در قطع نامه آمده است که بمباران مناطق مسکونی در دو کشور جنگ زده را متوقف کنند. "این جنایتی برضد بشریت و تمام ارزش های تمدن انسانی است. مردم ایران و عراق صلح می خواهند و از این جنگ بی معنا متنفرند... سخن کوی آن ها گفت که به زودی نماینده این سازمان ها با آقای راجیو کاندی ملاقات خواهند کرد."

تظاهرات ضد جنگ در وین

به دعوت فداییان خلق-اگریش و سازمان حزب توده ایران-اگریش تظاهرات وسیع گسترده ای در شهر وین برای اعتراض به بمباران شهرها و ادامه جنایت کارانه جنگ برگزار گردید. این تظاهرات مورد استقبال وسیع ایرانیان مقیم اتریش قرار گرفت. تظاهرات روز پنج شنبه ۱۵ فروردین از مقابل ابرای وین آغاز گشت. جمعیت شرکت کننده در تظاهرات پس از گذشتن از مقابل سفارت عراق به سمت سفارت جمهوری اسلامی حرکت کرد. در حین تظاهرات هزاران اعلامیه در میان مردم وین پخش

گردید. نوشته های پلاکاردها و شعارهای داده شده توسط تظاهر کنندگان مورد استقبال و تایید کامل مردم مسیر راهپیمایی قرار گرفت که از آن جمله اند:
- اتحادیه دانشجویان عراقی هوادار حزب کمونیست عراق-اگریش
- هواداران حزب کمونیست شیلی-اگریش
- اتحادیه دانشجویان و جوانان کرد-اگریش
- اتحادیه جوانان سوسیالیست کردستان-اگریش
- کارگران مترقی ترکیه-اگریش
- هواداران حزب کار ترکیه-اگریش
در پایان راهپیمایی قطع نامه ای صادر گشت که در آن خواست هایی مبنی بر قطع فوری بمباران مناطق مسکونی، قطع فوری جنگ و برقراری صلح و نیز آزادی زندانیان سیاسی عنوان شده بود.

میلان

روز سه شنبه دوم آوریل جمعی از فداییان خلق و هواداران حزب توده ایران در میلان-ایتالیا به همراه عده دیگری از ایرانیان در نزدیک سفارت جمهوری اسلامی اجتماع کرده و علیه جنگ ایران و عراق به تظاهرات پرداختند. در طی تظاهرات اعلامیه های زیادی توزیع و تبلیغات گسترده ای در میان ایتالیایی های حاضر صورت پذیرفت، ایتالیایی ها از این حرکت اعتراضی حمایت و با مردم ایران ابراز همدردی می نمودند.

در این تظاهرات شعارهایی در مورد قطع جنگ، قطع شکنجه و کشتار، آزادی زندانیان سیاسی و علیه سرکوب خلق کرد داده شد خبرنگارانی از روزنامه های یونیتا، آترا و رپوبلیکا از این تظاهرات عکس و گزارش تهیه می کردند. قطع نامه مشترکی از سوی فداییان خلق، هواداران حزب توده ایران و هواداران حزب کمونیست عراق در ایتالیا در مورد پایان یافتن جنگ جنایتکارانه ایران و عراق و قطع بمباران های مناطق مسکونی صادر شد. این قطع نامه به اعضای بسیاری از سازمان ها و احزاب، منجمده سازمان ایالتی حزب کمونیست ایتالیا رسیده است.

آلمان فدرال

در شماره گاشته تظاهرات پرشکوه گروه کثیری از ایرانیان مقیم آلمان فدرال را در پایتخت این کشور منتشر کردیم.

در زیر توجه شما را به عکسی از این تظاهرات جلب می کنیم.





تحصن کارگران در وزارت مسکن

یکبار دیگر کارگران عضو اتحادیه تعاونی‌های مسکن کارگری تهران با دست زدن به تحصن، اعتراض خود را نسبت به روشهای ضد کارگری رژیم ابراز داشتند. در روز هفتم اسفند ماه تعداد بسیاری از کارگران عضو اتحادیه در محل زمین‌های تعاونی در شهرک قدس گرد آمدند. در آنجا پس از گفتگو و تبادل نظر و ضمن ابراز انزجار نسبت به عملکرد مسئولین رژیم تصمیم گرفتند گروهی مرکب از چندین نفر از هر تعاونی به وزارت مسکن و شهرسازی برای پیگیری مطالبات خویش اعزام نمایند. این هیئت وسیع که از دهها کارگر تشکیل شده بود، ساعت ۱ صبح به محل وزارتخانه رسید. طبعاً در آنجا نه تنها کسی حاضر نشد به سخنانشان گوش فرا دهد بلکه کوشیدند آنان را از محل دور نمایند. کارگران برای بیان اعتراض در همانجا متحصن گردیدند.

با ادامه تحصن هنگامیکه مقامات وزارتخانه با عزم راسخ کارگران روبرو شدند، گفتگو با آنان را پذیرفتند و معاون وزیر به میان متحصنین آمد. او در آغاز کوشید کارگران را مرعوب نماید که با واکنش تند آنها روبرو گردید. کارگران با قاطعیت بر مطالبات خود تأکید کردند و خواستار شدند موانع موجود برای آغاز خانه‌سازی در زمین‌های دریافتی مرتفع شود. علاوه بر این طبق قولهای سابق بقیه زمینهای مقرر شده نیز در اختیارشان گذارده شود. معاون وزیر ناگزیر شد متعهد شود که در جهت خواسته‌های کارگران اقداماتی صورت دهد. تحصن کارگران در ساعت ۵ بعد از ظهر پایان یافت.

کارخانه دخانیات در بره‌بست

وضعیت بحرانی در کارخانه دخانیات هنوز هم ادامه دارد. مدیران دولتی چه بخاطر فساد مالی و چه بخاطر کارگرسنجی لگام گسیخته روند تولید را مختل کرده‌اند. از همین رو همین چندین پیش یکی از قسمت‌های کارخانه به مدت سه روز تعطیل شد. اخیراً برای بررسی وضعیت ششصد کارگری که پس از انقلاب استخدام شده‌اند کمیته گزینش تشکیل داده‌اند که در آن رئیس دایره حراست و رئیس انجمن اسلامی و معاون کارگزینی حضور دارند. گفته می‌شود بوسیله این کمیته گروه دیگری از کارگران را می‌خواهند اخراج نمایند.

کارخانه فاقد وسائل ایمنی کار و امکانات بهداشتی است. اخیراً کارگر پنجاه ساله‌ای که در حین کار دچار سکته قلبی شده بود، به خاطر نبودن آمبولانس پیش از انتقال به بیمارستان درگذشت. کیفیت بغایت نازل غذای کارخانه از جمله مواردی که همواره کارگران به آن معترضند، چندی قبل کارگران به عنوان اعتراض از گرفتن غذا خودداری کردند. مسئله مسکن کارکنان علیرغم همه وعده‌ها هم چنان لاینحل مانده است. آخرین پاسخی که مسئولین

از طریق معاون وزیر مسکن و شهرسازی داده‌اند این بود که کارگران بروند در شهرک اکباتان و اوآن آپارتمان بخرند!

حقوق ماهانه کارگران بسیاری از اوقات با تاخیر پرداخت می‌شود. این امر برای بیشتر کارگران مشکلات کم‌رکنی به بار می‌آورد.

اخیراً یکی دیگر از دستگیرشدگان اعتصاب سال ۶۲ از زندان آزاد شد. او با مراجعه به کارخانه می‌خواست کار خود را بار دیگر از سر گیرد. اما مدیر عامل پس از یک هفته حکم اخراج نهائی او را صادر کرد. از دستگیرشدگان آن اعتصاب هنوز هم پس از چهارده ماه یک نفر در زندان بسر می‌برد.

کارگران همبسته‌اند

کیاشهر- در روستای امیرکیاسر واقع در کیاشهر کیلان در حال نصب دستگاه تقویتی برای تلویزیون هستند. در آذرماه قریب یک سوم کارگران را به بهانه بارندگی اخراج کردند. کارگران اخراجی کیلانی بودند. کارگران باقی‌مانده که آذربایجانی بودند در اعتراض به این امر دست به اعتصاب زدند. کارفرما با اینکه توانست با فشارهای زیاد و از جمله اخراج ده تن از فعالین این حرکت اعتراضی، اعتصاب را بشکند، اما مبارزه کارگران به اشکال دیگری از آن نیز تاچندی ادامه یافت.

افزایش دستمزد شامل کارکنان زن نمی‌شود

در موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی اخیراً مسئولین ناگزیر شدند افزایش دستمزد حساب‌برسان را بپذیرند. افزایش دستمزد از جمله خواسته‌هایی بود که کارکنان این موسسه مداوماً مطالبه می‌کردند. مدیریت موسسه در افزایش دستمزد تبعیض آشکاری را علیه زنان اعمال کرد، بدین ترتیب که حقوق حساب‌برسان مرد بیست درصد و حقوق حساب‌برسان زن را به میزان ناچیز ۶ تا ۸ درصد افزایش دادند. کارکنان زن بشدت به این تبعیض اعتراض کردند.

اخراج به خاطر اعتراض

در مجتمع کشت و صنعت جیرفت یکی از زنان کارگر چندی پیش به غیر بهداشتی بودن رختکن، بدی غذا و رفتار بد سرپرستان اعتراض کرده بود. واکنش مدیریت مجتمع این بود که از این کارگر خواستند کتبا متعهد شود دیگر در این قبیل مسائل مداخله نکنند. چون این کارگر مبارز حاضر نشد زیر بار چنین تعهدی برود حکم اخراج او صادر گردید. علت آخر اج را "دخاله در مسائل صنفی!" عنوان کردند.

درگیری متقاضیان گذرنامه

با اوباش حکومتی

مشهد- در برابر ساختمان اداره گذرنامه مشهد همواره صف درازی از متقاضیان دریافت گذرنامه وجود دارد. چندی پیش عده‌ای اوباش وابسته به سپاه که با عنوان "حزب الله" نامیده میشوند به این محل آمده و خطاب به متقاضیان گذرنامه به فحاشی پرداختند. در نتیجه آن زودخوردی دسته جمعی رخ داد که گروهی مضروب شدند. با بالا گرفتن

درگیری پاسداران مستقیماً دخالت کرده و با تیراندازی هوائی مردمی را که در برابر اوباش به مقاومت برخاسته بودند، پراکنده کردند.

علت دزدی!

بردسیر- در ۲۰ دی‌ماه در بردسیر (واقع در استان کرمان) عده‌ای شبانه اموال امام‌زاده علی را ربودند. سارقین بر سر امام‌زاده نوشتند که "یا امام زاده علی ما مرید تو هستیم، اما حکومت خمینی راهی جز دزدی برای ما باقی نگذاشت."

یکی از جنایات رژیم

در پانزدهم بهمن ماه در بندر انزلی کارگر بیکاری از بالای پل غازیان خود را به میان امواج رودخانه انداخته و خودکشی کرد. از او نامه‌ای بر جای ماند که در آن نوشته شده بود "مدتی بود که بیکار بودم. پیش خانواده‌ام خجالت می‌کشیدم. به هر جا رو کردم کاری به من ندادند. نمی‌توانستم به خانواده‌ام برسم..."

"رضاخان" باز می‌گردد

رضاخان از فتودالهای بزرگ منطقه عنبرآباد جیرفت است. پس از پیروزی انقلاب املاک وسیع او را دهقانان مصادره کرده بودند. اما اخیراً مقامات قضائی حکم استرداد این املاک را صادر کردند و به او قول دادند در جبران آنچه که رفته است مرخصی که انتظار داشته باشد، انجام خواهند داد. علیرغم خوش رقصی‌های مسئولین در برابر این فتودال، او از تحویل گرفتن این املاک سرباز زد و به آنها ابلاغ نمود که باید همه آن اراضی را در همان وضعیت سابق به او تحویل دهند. انجام این تقاضای خان بدین معنی بود که قسمتی از خانه‌های روستائیان می‌بایست تخریب می‌شد. زیرا در بخش کوچکی از آن اراضی روستائیان در سالهای اخیر منازل مسکونی بنا کرده بودند. مقامات قضائی که از نحوه واکنش دهقانان بیمناک هستند، مذاکراتی را با رضا خان برای یافتن راه حل خان پسندانه آغاز کردند.

زمین از آن دهقانان است

در شهر بندری کیاشهر در کیلان قطعه زمین مزروعی به وسعت ۲۰ هکتار وجود دارد که در رژیم پیشین به نام سازمان محیط زیست ثبت شده بود. در همان زمان این قطعه زمین را برای تأسیس پایگاه دریائی به نیروی دریائی داده بودند. بعد از انقلاب کشاورزان بی‌زمین آن را مصادره کردند و سی خانوار کشاورز بر روی آن به کشت پرداختند. اما در مهر ماه گذشته سازمان محیط زیست پس از چند سال بار دیگر مدعی این اراضی گردید. دهقانان قاطعانه پاسخ دادند که یک وجب آنرا هم از دست نخواهند داد.

چندی بعد ماموران این سازمان به محل آمده و پس از ویران ساختن چورها و دیوارهای مزرعه، در حاشیه آن درختکاری نمودند. دهقانان به سرعت عکس العمل نشان دادند و شبانه درختهای کاشته شده را قطع کرده و بار دیگر زمین را متصرف شدند. تشیبات سازمان محیط زیست برای غصب این اراضی هنوز هم ادامه دارد.

رژیم، مردم "خاک سفید" را به خاک سیاه نشاند است

بسیار ماجر اجوشی هستم و تا این سه خانه را تخلیه ننمایم و یا ویرانش نکنم، ولکن معامله نیستیم. مقاومت یکپارچه مردم در مقابل گردنکشی های این افسر ضد انقلابی، منجر به تیراندازی می شود. در پی دوروز مقاومت، عده ای از اهالی زخمی می شوند و آخر سر، مردم با پرتاب سنگ به خودروهای ژاندارمری و شکستن سروصورت افسر "بسیار ماجر اجو" و دیگر مامورین، آنها را ناچار به فرار می نمایند. مردم بعد از پایان گرفتن درگیری ضمن راهپیمایی دسته جمعی، شعارهای تندی علیه حکومت می دادند، که همین امر سبب شد چندی بعد بیست تن از اهالی شهرک، حتی آنها که در محل درگیری حضور نداشتند، بخاطر مقاومت در مقابل مامورین و دادن شعار بر علیه سران رژیم، دستگیر و روانه زندان بشوند.



مقاومت شورانگیز ساکنین زحمتکش "خاک سفید" در رویارویی با لشکر کشی عمال رژیم، هر چند که اکثرا به شکست احکام دادگاه های ضد انقلابی رژیم منجر گشته، اما این امر، نه تنها سبب نشده است که عمال رژیم دست از مقابله وحشیانه با ساکنین "خاک سفید" بردارند، بلکه روز به روز جری تر از پیش عمل می کنند. برخورد کینه توزانه دادگاه های ضد انقلابی ج. ا. با اهالی "خاک سفید" نیز، بیشتر از پیش صاحبان سند پاره ها را برای بازپس گرفتن زمین ها و ساخت و پاخت با مسئولین رژیم، ترغیب می کند. ... در تاریخ ۶۲/۲/۷، زمین خورای به نام مهندس مهدی جعفریان که خود در آمریکا به سر می برد، توسط یکی از منسوبین خود در کمیته، برای تخلیه خانه ای در خیابان ۲۱۲ شرقی اقدام می کند. حدود ۲۰ نفر کمیته ای به سرپرستی امیر شمرستی (سرپرست کمیته مستقر در کلانتری نارمک)، به خانه مذکور هجوم می آورند و اسباب های صاحب خانه را بیرون می ریزند. در مقابل مقاومت همسر و فرزندانش، کمیته ای ها وحشیانه آن ها را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. اهالی خاک سفید در برابر آن ها به طور دسته جمعی به مقابله بر می خیزند اما کمیته ای ها با کلوله و گاز اشک آور به آنان حمله ور می شوند. درگیری از صبح تا غروب ادامه می یابد. دمدمای غروب که مردان زحمتکش محل از سرکار به خانه هاشان بازمی گردند؛ عده کثیری از اهالی جمع شده و ضمن دادن شعارهای فی البداهه، با رهبری یکی از مادران زحمتکش "خاک سفید"، به راهپیمایی

در پای دکل های بلند برق درمنتهی الیه شمال شرق تهران، آلودگی محقر "خاک سفید" دیده می شود. بعد از انقلاب، عده ای از زحمتکشان میهنمان به اینجا پناه آوردند و با هزاران خون دل، خشت بروی خشت نهادند و آلودگی ساختند تا در کنار دهها مشکل ریز و درشت، لااقل دغدغه خانه بدوشی نداشته باشند. اما چند صباحی نگذشت که آرامش زاغه های محقر و فقیرانه "خاک سفید" با رگبار کلوله های خائنین و مرتجعین حاکم از هم پاشید. دزدان انقلاب خونین همین مردم "کوخ نشین"، از جانب زمین خوران زلوصفت، رسالت انتقامجویی از صاحبان انقلاب را مجدانه برگردن گرفتند.

امروز، مباشرین پلید زمین خوران در دادگاه های ضد انقلابی ج. ا. در انتقام کشی از زحمتکشان ساکن "خاک سفید" از هیچ اقدام رذالت آمیزی کوتاهی نمی کنند. هجوم بربرمنشانه دستجات سپاه و کمیته، ژاندارمری و... ضرب و شتم اهالی، ویران کردن خانه ها و درموردی ریختن آوار آن بر سر ساکنین اش در سالهای اخیر به طور متناوب ادامه یافته است. صاحبان سند پاره های آریامهری، چه آنها که در داخل کشورند و چه آنها که علیرغم قربان صدقه حکام ج. ا. هنوز به ایران باز نگشته اند، بعد از گرفتن حکم تخلیه از قضات شرع، مزدوران گردنکشی را در دادگاه ها و کمیته ها که به "شرخ" معروف شده اند، اجیر می کنند، تا با استناد به سند پاره ها، آلودگی زحمتکشان "خاک سفید" را با خاک یکسان کنند "شرخ" هاعدا تا از مسئولین دینغود دادگاه ها و کمیته ها هستند. ایشان، بخاطر نشان دادن لیاقت و بیلابردن نرخ دستخوش خود، به هروسیله پستی متوسل می شوند. اوایل ترفندهای رتارکتی بین "شرخ" ها رایج بود. مثلاً در بهار سال ۶۱، در شهرک "باهنر"، در انتهای خیابان وفادار شرقی، یکی از ساکنین محل، توسط "شرخ" ی به دادگاه جلب می شود و بلافاصله زندانی می گردد. چند روز بعد، "شرخ" به خانواده وی مراجعه می کند و از آنها می طلبد که برای آزاد نمودن سرپرست خود، به ژاندارمری مراجعه نمایند و پس از اینکه با این حيله آنان را از خانه بیرون می کشد در غیاب آنان، خانه را بایلد و ز شهرداری ویران می کند.

نمونه هایی از این دست ترفندها، سبب شده است که ساکنین "خاک سفید" با هوشیاری نسبت به حقه های "شرخ" ها برخورد کنند. در پی برخورد آگاهانه مردم با این مزدوران، این اواخر، اکثر سندداران مستقیماً با سرپرست نهادهای سرکوبتر وارد معامله می شوند. در همان بهار سال ۶۱، باز در شهرک باهنر، زنی به وکالت از طرف برادرش بنام کریم اهری که در رژیم سرتگون شده شاه، سمت نمایندگی مجلس شورا را داشت و هم اینک در آمریکا به سر می برد، با افراد ژاندارمری به فرماندهی افسری بنام پرویز مانی قلم، جهت تخلیه سه باب خانه به شهرک می آید. افسر ضد انقلابی که به گفته اهالی محل، پول قابل توجهی از سنددار گرفته بود، طی سخنرانی تهدید آمیزی خطاب به اهالی شهرک می گوید: من افسر بسیار

می پردازند... آخر سر، اهالی محل با اقدام دسته جمعی، اسباب های مالک قبلی را مجدداً به خانه بازمی گردانند... چند ماه بعد، در تاریخ ۶۲/۱/۷، سنددار دیگری به اتفاق منسوبین خود در کمیته، با سه پیکان گشت کمیته و یک توپوتای گشت فارالله، به خانه ای در میدان رهبر مراجعه می کنند و باتهدید و به زور اسلحه تمام وسایل خانه را بیرون می ریزند. توحش افراد سپاه و کمیته در این نمونه حد و مرز نمی شناخت. زن صاحب خانه را به خاطر مقاومت، تا آن جا که می توانند، مورد ضرب و شتم قرار می دهند. افراد کمیته و سپاه، زن زحمتکش را که چند روز پیش از آن در بیمارستان جراحی شده بود، آن قدر بر روی زمین می کشند که بخیه هایش پاره می شود و زن زحمتکش توسط اهالی محل مجدداً به بیمارستان منتقل می شود. نفرت سرکوب پس از آن درهای خانه را پلمب کرده و از محل می روند. هتئامی که مردان کار و زحمت، به آلودگی های خود بازمی گردند، مرد صاحب خانه از مشاهده اثنایه منزل خود که در خیابان ریخته شده بود، حالت شوک پیدا می کند. اهالی محل جمع می شوند و متحد به یاری او بر می خیزند. آن ها اقدام به شکستن پلمب ها می کنند و اثنایه را به داخل خانه بازمی گردانند.

هم پای لشکرکشی وحشی گری مزدوران مسلح رژیم، شهرداری و مامورین آن نیز، هر چه از دستشان بر می آید در آزار اهالی "خاک سفید" کوتاهی نمی کنند. بسیاری از مردان زحمتکش "خاک سفید" به خاطر ساختن یک دیوار، کارشان به ژاندارمری و دادسرا و زندان قصر کشیده شده است. مامورین شهرداری، شبانه درب دکان هایی را که زحمتکشان به خاطر بی کاری اقدام به گشایش آن کرده اند، از جا میکنند. به هر بهانه کوچکی، با ماشین های تخریب خود به "خاک سفید" یورش می آورند... در شهرداری اتاقی انباشته از شناسنامه، دفترچه بسیج، کارت پایان خدمت و دیگر اسناد ضبط شده ساکنین "خاک سفید" خاک می خورند... شهرداری و مساجد، تحت عناوین مختلف و به بهانه های گوناگون در هر فرصتی اقدام به اخاذی از ساکنین محل می کنند.

رژیم حامی چپاول گران، بر آنست که "خاک سفید" را با خاک یکسان کند و زمین های آن را، دوستی و باتکریم و صلوات به صاحبان سند پاره های آریامهری تحویل دهد. اما تا امروز، مقاومت یک پارچه محرومین "خاک سفید" نگذاشته است که آرزوی پلید رژیم برآورده شود. و بعد از این نیز، حاکمیت ارتجاعی قادر نخواهد بود، سد مقاومت توده های محروم را درهم شکند و به اهداف خائنانه خود دست یابد.

رسا تریان

بقیه از صفحه ۳
دانمارک هیئت های نمایندگی از احزاب برادر شیلی، نیکاراگوا، آنغولا، اتیوپی، آفریقای جنوبی و هم چنین نمایندگانی از هواداران حزب توده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) در دانمارک، حزب کمونیست ترکیه و حزب کمونیست عراق شرکت داشتند. این سمینار به بررسی مسائل آمریکای لاتین و آفریقا اختصاص داشت. فدائیان و توده ایهای شرکت کننده در سمینار با دبیرکل حزب کمونیست دانمارک و هیئت های نمایندگی آنکولا و اتیوپی نیز دیدار به عمل آوردند.



یوری گاکارین به همراه پدر و مادرش

به مناسبت سالروز نخستین پرواز انسان به فضا یوری گاکارین، آنگونه که مادرش می گوید

برای کوچکترها کتاب می خواندند. من هم کنارشان می نشستم و خیالی می کردم، چون لباسهای همه خانواده را من می دوختم.

همیشه سعی می کردم روزهای تعطیل برای بچه ها خاطره انگیز و متفاوت با روزهای دیترب باشد. همیشه می خواستم بچه ها را خوشحال کنم و به هر قیمتی شده لباس نو برایشان بپوشم و تادرتعلیلی آنرا بپوشند. آن لباسها امروز خیلی ساده به نظر می رسند ولی بپوشیدم می دیدند که مادرشان باعث و علاقه آنها را می دوزد و می دانستند که ارزش هدیه در کار و محبتی است که برایش صرف می شود. به همین دلیل هم به خوبی مواظب لباسهایی که برایشان می دوختم بودم. این عادت آنها شده بود.

یوری حافظه عجیبی داشت. کافی بود چیزی را بکنی دو بار برایش بخوانی تا یادش بماند. کلاً مترصد خواندن و یاد گرفتن بیشتر بود. حتی قبل از اینکه به سن معمول برسد همراه خواهرش زویا به مدرسه می رفت. قوانین را در مدارس دهات زیاد سخت نمی گیرند و خانم معلم مدرسه هم آشنای خانوادگی ما بود و می گذاشت یوری موقع درس دادن سر کلاس بماند. بعد از جنگ من و شوهرم تصمیم گرفتیم در کزاتسک ساکن شویم.

آلکسی ایوانوویچ از قبل و با صبر و حوصله مقدمات امر را فراهم کرد. پسرا هم به هر دری می زدند که به او کمک کنند و مثل آدمهای بزرگ کار می کردند. آنها زمین می کشیدند، ملات هم می زدند، ماه می آوردند، گل درست می کردند و آجر دست پدرشان می دادند.

خانواده عصرها موقع شام دور هم جمع می شد و آلکسی ایوانوویچ می گفت: "خوب مادر جان، یک لقمه غذا به ما مردها بده بخوریم."

خانه مادر کزاتسک مثل همان کلوشینو بود: سه تا اتاق کوچک، یک صندوقخانه جداره، یک زیرزمین و یک طویل متصل به خانه برای احشام.

در کزاتسک اسم یوری را در کلاس سوم و برادرش یوریس را در کلاس دوم نوشتیم. من ترتیبی دادم که یوری به مدرسه ای برود که زیر نظر مدرسه عالی تربیت معلم اداره می شد. من معلم آن مدرسه، نینا واسیلیونا لیدوا را خیلی دوست می داشتم. او خیلی جوان بود و چهره مهربان و بشاشی داشت. بچه ها خیلی به او علاقه داشتند.

اما یوری بیش از هر چیز دیگری تحت تاثیر صحبت های معلمش درباره لنین، دوران بچگی او، خانواده اش، والدینش، برادر بزرگترش و حس عدالت خواهی و محبت او بوده یعنی آن خصایل لنین که در دوران کودکیش بوجود آمده بودند. یاد می آید که چطور یوری یک روز گفت "نینا واسیلیونا کتابی درباره کودکی لنین برایمان خواند. یک عکس کارنامه اش هم در کتاب بود. در همه درسا بالاترین نمره ها را گرفته بود!"

حتی پیش از آن هم نمره های یوری خوب بود ولی بعد از این واقعه دیتربست تمام گذاشت تا وقتی همه مشقهایش را تمام نمی کرد نمی خوابید. دفتر

دوازدهم آوریل (۲۲ فروردین) روز کیهان نوردی است. انتخاب پنجمین روزی در بزرگداشت اولین پرواز انسان به فضا در دوازدهم آوریل ۱۹۶۱ صورت گرفته است. در این روز یوری گاکارین فضانورد نامی شوروی برای اولین بار از محدوده کره زمین بیرون رفت و در فضا به پرواز درآمد. این رویداد که به مثابه دستاورد بزرگ بشریت در تاریخ ثبت گردید، نشانه پیشرفت فنی عظیم اتحاد شوروی در همه عرصه های علوم به شمار می رود.

یوری گاکارین که به عنوان طلایه دار تسخیر فضا شناخته گردید، نمونه ای از انسان سوسیالیستی است، انسانی طراز نوین، آمیزه ای از خردمندی و رشادت، از شور بیکران و فداکاری بی مانند. او چگونه پیرو شده؟ در پاسخ به این پرسش منهامه "ادبیات شوروی" در شماره ۹ سال ۸۴ خاطراتی از دوران کودکی یوری گاکارین به نقل از مادرش آنا گاکارینا به چاپ رسانده است. در روز کیهان نوردی و در گرامیداشت خاطره یوری گاکارین به نشانه ای از این خاطرات را برای آگاهی خوانندگان از چگونگی شکل گیری اولیه یک قهرمان درج می کنیم.

امروز اغلب مردم از من می پرسند که پسر من در کودکی چگونه بود و من جواب می دهم: "مثل همه پسر بچه های دیترب بود. آنها مدام از من می پرسند چه شیوه های مرموزی "در بار آوردن فرزندانم بکار بستم. حقیقت این است که "شیوه مرموزی" در کار نیست با اینحال همه بچه هایمان انسانهای خوب، مسئول و شایسته احترام شده اند. آیا همه اینها خود بخودی اتفاق افتاده است؟

من فکر می کنم خیلی چیزها به والدین بستگی دارد. من و شوهرم آلکسی ایوانوویچ همیشه آنقدر مشغول بودیم که فرصت سرخاراندن نداشتیم. فرزندانمان شاهد این بودند و ما را سرمشق خودشان کردند. هر کدام می دانستند که باید چکار کنند.

عصرها برگشتن به خانه چقدر خوب و دوست داشتنی بود. خانه وقت ورودمان پاکیزه بود. اجاق گرم بود. شام پخته شده بود و بچه هایمان شاد و مغرور از اینکه توانسته بودند تا رسیدن ما به همه کارها و وسایلی بدمند دور میز نشسته بودند و انتظار ما را می کشیدند. آه که چه لذت و آرامشی داشت!

عصرهای زمستان خانه مان در قریه کلوشینو پیش چشمهایم مجسم می شود. آلکسی ایوانوویچ با بچه ها می رفتند بالای اجاقی گرم می نشستند و او برایشان قلمه پریها می گفت. قلمه های پریها پر از مطلب است و آن کسی هم هر چه لازم بود به آن اضافه می کرد. گاهی وقتها قهرمانان تنبل آن را دست می انداخت یا بچه ها را اگر شیفتن کرده بودند می ترساند و آنهایی را هم که دروغ گفته بودند خجالت می داد...

یا اینکه در اتاق بزرگتر زیر چراغ گردسوز که از سقف آویزان بود می نشستیم و بچه ها می گفتند: "مامان خواهش می کنیم برایمان کتاب بخوان!" کم کم بزرگترها بزرگتر شدند و آنوقت آنها

حسابش همیشه تمیز بود. آنروزها کتاب درسی کم داشتیم و هر کتابی را چند نفر از بچه ها می خواندند. یوری به بقیه بچه ها یاد می داد که از کتابشان خوب نگهداری کنند. کتابهایشان همیشه بخوبی جلد شده بود و با خط خوش در آن نوشته بودند.

آنروزها شاگردان مدرسه در آخر سال چهارم امتحان نهایی می دادند. یوری بالاترین نمره های دیکته و حساب را آورد. او با تقدیرنامه به کلاس پنجم رفت.

یوری در کلاس پنجم به مدرسه دیگری رفت. امروز ساختمان آن مدرسه را خانه کرده اند. فکر می کنم قبل از جنگ هم یک خانه بوده است. از آنجا که بعد از حمله نازی ها کمتر ساختمان سالمی باقی مانده بود آنرا مدرسه کردند. دولت شوروی برای بچه ها اهمیت درجه یک قایل بود. برای همین هم خانه هایی را که محتاج تعمیر کمی بودند به مدرسه، کاخ نوجوانان، کودکان، شیرخوارگاه و بیمارستان تبدیل کردند.

حالا که صحبت از خاطرات گذشته شد می خواهم کمی هم درباره وضع زندگی و درس خواندن بچه ها در دوره جنگ برایتان بگویم. کلاسها، یعنی همان اتاق خوابها، نهارخوری ها، اتاق نشیمن ها و غیره قبلی، خیلی کوچک بودند. از میز تحریر خبری نبود. در عوض، میز و نیمکت های دراز چوبی در آنها گذاشته بودند. وقتی که در اولین جلسه اولیا شرکت کردم به زور توانستم خودم را لای میز و نیمکت جا بدهم. در مانده بودم که بچه ها چطور خودشان را به تخته سیاه می رسانند چون نیمکت ها تقریباً از این سرتا آن سر به دیوار می رسیدند. یوری با خنده گفت: "از زیر میز و نیمکت رد می شوم!"

کلاسها به اندازه کافی گرم نبودند چون حتی برای کودکان آنها هم هیزم کم بود. به همین دلیل شاگردان سر کلاس هم پالتو پوشیده بودند. آنها شیشه دوات را قبل از نوشتن زیر لباسشان گرم می کردند. ولی بچه ها تحمل می کردند.

یک روز یوری گفت که خودش و چند شاگرد دیگر در سازمان پیشتازان جوان (سازمان نوجوانان حزب) پذیرفته شده اند. بزودی او رئیس شورای گروه پیشتازان شد. یوری هر شب دستمال گردن پیشاهنگش را اتومی کرد تا فردا صبح گره اش قشنگ باشد. فکر می کنم اهمیت زیادی برای این کار قایل بود. شاید هم واقعا همانقدر اهمیت داشت!

یوری قدم در هر کاری می گذاشت. او در گروه نمایش آماتور شرکت کرد. آنها تصمیم گرفتند که یک نمایش سایه ترتیب دهند و جنب و جوشان برای بروی صحنه آوردن نمایشنامه "قلمه کشیش و نوکرش بالدا" اثر پوشکین تمامی نداشت. بچه ها خودشان قواره شخصیت های نمایش را از توی مقوا

بقیه از صفحه ۸

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

چشم‌هایش خیلی ضعیف بود. نتوانست شعار را بخواند. عینکش را زده‌باز هم نتوانست. به طرف جلو خم شد باز هم نتوانست هر چند شعار درشت بود. چهره‌اش در هم رفت، بالاخره باشد رفت صدلی جلو نشست. این بار توانست شعار را بخواند. برگشت به من لبخند زد. من هم به او لبخند زدم.

"سوار خط انقلاب - امام حسین شده بودم. در طبقه دوم این شعار در کناره سقف اتوبوس به چشم می‌خورد: "مرگ بر جنگ! زنده باد صلح!" کار بچه‌های خودمان بود. یک حزب الهی در طبقه دوم بود که با غیظ و کین به شعار نگاه می‌کرد و زیر لب مرتب فحش می‌داد. تا آخر خط او این حالت خود را حفظ کرد. همه مسافران متوجه شده بودند و به حالت اوپو زخمی می‌زدند."

"... بعد از پخش وسیع اعلامیه شاهد بودیم که سه نفر حزب الهی که محتملاً بسیجی بودند، جلوی یک زن و شوهر را گرفتند آنها را مورد بازخواست قرار دادند و کیفشان و جیبشان را گشتند. می‌خواستند آنها را به عنوان مظلون به کمیته ببرند که مردم جمع شدند، اول مردمی خواست همسرش را بفروشد تا خود ببیند که چه پیش می‌آید ولی بسیجی‌ها ننگ داشتند. آن مرد در برابر اصرار بسیجی‌ها بالاخره با صدای بلند گفت: من نمی‌دانم شما چه می‌خواهید و چه می‌گویید، کدام اعلامیه؟ یکی از آنها اعلامیه‌ای را نشان داد، فرد دیگری اعلامیه را گرفت به دیگران نشان داد و بعد جمعیت شروع به خواندن اعلامیه کرد. مردم اعلامیه را از دست هم گرفته و با صدای بلند می‌خواندند. بالاخره بسیجی‌ها دیدند هوا پس است و جو کاملاً موافق مضمون اعلامیه و مخالف آنهاست با هراس اعلامیه را از دست مردم گرفتند و به فحاشی علیه سازمان پرداختند. آن زن و شوهر از فرصت استفاده کرده و با کمک مردم فوراً از محل دور شدند."

"... در خیابان شادمان اعلامیه پخش کردیم. تعداد اعلامیه‌ها محدود بود ولی یکی از اهالی محل شنیدیم که می‌گفته است فدائیان سرتاسر شادمان را پر از اعلامیه کرده‌اند. این نشان دهنده روحیه مردم و استقبال از سازمانهای انقلابی است. ا عراق در این موارد اوج نفرت از ارتجاع و علاقه به سازمانهای انقلابی را می‌رساند."

"... در تهران پارس به شکل وسیعی اعلامیه پخش شد. پخش اعلامیه‌های سازمان انعکاس چشمگیری یافت. فردی که کارمند سازمان برنامه و بودجه است تعریف می‌کرد حدود اوایل آذرماه وقتی از منزل واقع در تهران پارس خارج می‌شدم، در خیابانها، توی میدان و جلوی کرکره مغازه‌ها تعداد بسیار زیادی اعلامیه فدایی‌ها در رابطه با جنگ رادیدم. او می‌گفت رهگذران اعلامیه‌ها را برمی‌داشتند. حالتشان هیجان زده بود. همین فرد می‌گفت که از فردای آنروز تمام آن منطقه تحت کنترل سپاه بوده."

"در خوابگاه دختران (دانشگاه تهران) یک

بریدند و سرچوب حصیر کردند و پیاد گرفتند که آنها را چطور پشت یک طاقه ملاقه تکان بدهند. یوری نقش بالدارا به عهده داشت و شخصیت نوکر ناقلا را عالی ارائه کرد. دوست او لوتولکالین مسئول نورپردازی بود و یوری می‌گفت که او هم چقدر ماهرانه چراغ زغالی بزرگ آلمانی را اداره می‌کرد. شاگردان صحنه را خودشان رنگ آمیزی کرده بودند و اعلان نمایش را هم خودشان درست کرده بودند.

یوری و لو بر سر عکاسی هم یاریکدیگر بودند. لو یک دوربین کهنه از جایی گیر آورده بود و شبها می‌نشستند و آنرا باز می‌کردند، داخلش را تمیز می‌کردند و برای آن قطعه درست می‌کردند تا با قسمتهای کهنه عوض کنند ولی دوربین خیال بکار افتادن نداشت. بالاخره دوربین به راه افتاد و بچه‌ها تصمیم گرفتند دستگاهی بسازند که به فاصله چند ثانیه دریچه آنرا بکار اندازد تا بشود عکس خود عکاس را با آن گرفت. بالاخره آن دستگاه را هم ساختند و توانستند عکسی از هر دو نفر خودشان به همراه خانواده‌هایشان بگیرند.

یوری انگار می‌خواست در همه سرها سری داشته باشد. روزی اعلام شد که قرار است یک دسته موزیک در کاخ نوجوانان تشکیل شود. یوری در آن نام نویسی کرد و پر شور مشغول تمرین شد.

ولی بچه‌ها فقط تفریح نمی‌کردند. پیشتازان جوان همراه بزرگترها، آچرپاره‌های توی خیابان را جمع می‌کردند، به جای درختهایی که در جنگ از بین می‌رفت بهال نومی کاشتند، و بالاخره همه واحدهای پیشتازان جوان موقع چیدن سبزیجات به مزارع تعاونی می‌رفتند. یک شنبه‌ها هم به جنگل می‌رفتند امانه برای گردش بلکه وظیفه داشتند دنبال گور سربازانمان بگردند، آنها را پاکیزه کنند، بر سر گورشان گل بگذارند و کتیبه‌ای برای آن‌ها فراهم کنند.

یوری پسری خیلی اجتماعی بار آمد و همیشه خانه‌مان پر از دوستانش بود. آنها با همدیگر چیز می‌ساختند، کاری را مشترکاً تمرین می‌کردند یا اینکه تکالیف مدرسه‌شان را انجام می‌دادند. خیلی وقتها یوری به شاگردانی که عقب افتاده بودند کمک می‌کرد تا خودشان را به کلاس برسانند.

شاید بیشترین کسی که در خانه‌مان از او صحبت می‌شد، لومیکایلویچ بسپالوف بود. چون یوری خیلی به فیزیک علاقه داشت و لومیکایلویچ هم معلم فیزیک او بود که عاشق رشته‌اش بود.

لو میکایلویچ و یک معلم دیگر به نام زینایدا کوماروا یک گروه تفریحی هواپیمای ماکت ترتیب دادند و یوری هم فوراً به آن پیوست. اعضای گروه زیر نظر معلمهایشان یک هواپیمای ماکت ساختند که موتور نفتی داشت و روزی را تعیین کردند تا آنرا در زمین بایری به پرواز در آورند. یوری گفت: "الا من می‌خواهم خلبان شوم!" در آنوقت کسی حرفش را جدی نگرفت چون پسر بچه‌ای نبود که خواب خلبانی نبیند!

اما تصمیم یوری قاطع بود. او بالاخره پرواز کرد...

* * * *

روز صبح دانشجویان متوجه می‌شوند که اعضای انجمن اسلامی با عصبانیت وارد حمام شده و از آنجا خارج می‌شوند. علت این امر آن بود که پس از این که تعدادی نشریه و اعلامیه سازمان در حمام گذاشته شده بود، دانشجویان آنها را به اتاق خود برده و پس از خواندن مجدداً به جای قبلی خود برمی‌گردانند تا دیگران هم ببخوانند. افراد انجمن متوجه این قضیه شده بودند...

در دانشکده پزشکی نیز جریان مشابهی بوده. به دنبال نوشتن شعار "جنگ را قطع کنید، مردم صلح می‌خواهند" با امضای اکثریت و به صورت درشت در محل دستشویی دانشکده، انجمن اسلامی با گذاشتن چندین کمد بزرگ در جلوی دستشویی به بهانه تعبیرات مانع از دیدن شعار توسط دانشجویان شد. آنها بعد از پاک کردن شعار کمد‌ها را برداشتند. این عکس العمل انجمن اسلامی برد شعار را بیشتر کرد و باعث شد خیلی از دانشجویان در جریان قضیه قرار بگیرند."

"... پخش اعلامیه از بالای ساختمان پلاسکو انعکاس وسیعی در تهران یافت. مردم جریان را با آب و تاب فراوان برای یک دیگر تعریف می‌کردند. کارگری می‌گفت فدایی‌ها گونی گونی اعلامیه پخش کرده‌اند. می‌گویند بعد از قضیه پخش اعلامیه عده‌ای از کسبه طبقات بالای ساختمان پلاسکو را دستگیر کرده و برای بازجویی و تحقیق به کمیته برده‌اند."

"... زنهای محلی که با هم صحبت می‌کردند می‌گفتند این فدایی‌ها هر روز اعلامیه پخش می‌کنند. حکومت به شدت تلاش دارد تا در هر جا که شعاری نوشته می‌شود آنها را به سرعت پاک کنند و در هر جا که اعلامیه‌ای پخش می‌شود آنها را سریعاً جمع‌آوری کنند تا به دست مردم نرسد. جالب این جاست مردم همین که می‌بینند اعلامیه‌ای از سازمانهای سیاسی پخش می‌شود، چقدر خوشحال می‌شوند. در این میان دستپاچگی عوامل حکومتی هم خود به نوعی تبلیغ تبدیل می‌شود."

"... یک دختر محصل به یک خانم می‌گفت شما چرا نمی‌خوانید؟ شما هم اعلامیه رایخوانید. پلیس حاضر در منطقه می‌گفته است اینها در زمان شاه هم همینطور می‌آمدند، فعالیت می‌کردند و از جنگ پلیس می‌گریختند - یک تراکت اکثریت در اتوبوس نصب شده بود و مضمون آن راجع به جنگ بود سرنشینان اتوبوس آن را خوانده و بحث می‌کردند. تا آخر خطر تراکت در اتوبوس باقی ماند... در یکی از مناطق تهران که اعلامیه سازمان به کثرت پخش شده بود و از جمله در منازل ریخته شده بود، اهالی یک منزل به کلانتری تلفن زده و می‌گویند پلیس بیاید تا اعلامیه‌هایی را که در خانه آنها انداخته شده بود، تحویل بگیرد. از قرار معلوم آنها ترسیده بودند که میاداد سپاه برای امتحان کردن آنها به داخل خانه‌شان اعلامیه انداخته باشد. مامورینی که به این خانه رجوع می‌کنند بعد از دیدن اعلامیه‌ها گفته‌اند این که چیزی نیست، اینها گفته‌اند باید جنگ تمام شود اینرا که همه می‌گویند! برخی از پاسپانهای کلانتری اعلامیه‌ها را تا آخر خوانده‌اند."

بوخنوالد: حماسه پایداری و همبستگی

بنا به تصمیم یکپارچه اعضای کمیته، رهبری مبارزه مشترک به کمیته‌های آلمانی واگذار شد که بیشترین تجربه را در امر یکپارچه‌سازی در پشت سیم‌های شاردار اردوگاه‌ها داشتند.

گام دیگر در تحکیم همبستگی و انسجام مبارزان اردوگاه، ایجاد "سازمان نظامی بین‌المللی" بود. این سازمان از گروه‌های ۲ تا ۵ نفره تشکیل می‌شد که تحت فرماندهی افراد دارای تجربه نظامی بودند. این سازمان طی ۲ سال موفق شد اسلحه، مواد منفجره، وسایل نفوذی و غیره را از طرق مختلف تهیه و در داخل خوابگاه‌ها مخفی سازد. در مارس ۱۹۴۵، سازمان نظامی بوخنوالد ۱۹۴ گروه با ۹۰۰ عضو داشت.

قیام مسلحانه

در تابستان ۱۹۴۴ رهبری سازمان نظامی زندانیان بوخنوالد با پیش‌بینی نزدیک شدن نیروهای مسلح متفقین و نقش احتمالی اس‌اس برای نابودی و کشتار جمعی اس‌را، کار تهیه طرحی برای قیام مسلحانه را آغاز کرد. امکانات و تجهیزات موجود بسیار محدود بود: یک مسلسل ستین، حدود ۲۰۰ اسلحه کمری، بیش از ۱۰۰ نارنجک و مقداری کارد و خنجر. علاوه بر این، برای تماس کبیری با نیروهای متفقین، سازمان نظامی موفق شد یک فرستنده رادیویی ساخته و پنهان سازد.

هتنامی که در بهار ۱۹۴۵ واحدهای ارتش آمریکا به بوخنوالد نزدیک می‌شدند، اس‌اس تخلیه اردوگاه بوخنوالد و انتقال زندانیان به اردوگاه‌های دورتر از خط‌جبهه را آغاز کرد. از روز اول تا دهم آوریل ۱۹۴۵، شاهد تسریع بی‌سابقه تحولات بود. فرماندهی نیروهای فاشیست مستقر در بوخنوالد، چندین بار زندانیان را برای تخلیه اردوگاه احضار نمود، اما بنا به تصمیم "کمیته بین‌المللی اردوگاه"، اس‌را هر بار از اجرای دستور فاشیست‌ها سر باز زدند. با اینکه از طریق بیسم، ارتش آمریکا در جریان نقشه تخلیه بوخنوالد گذاشته شد، نیروهای آمریکایی از شتاب در رسیدن به اردوگاه خودداری می‌کردند و حتی ستونهای ارتش آمریکا بوخنوالد را دور زدند. از این رو، رهبری سازمان متفق زندانیان به این نتیجه رسید که آزادی اس‌را تنها کار خود آنان است.

صبح روز یازدهم آوریل، قیام مسلحانه زندانیان اردوگاه آغاز شد. در حالیکه زندانیان آلمانی با مسلسل مواضع فاشیست‌ها را زیر آتش گرفته بودند، اس‌رای جنگی شوروی وارد قرارگاه اس‌اس شده و مقادیر زیادی اسلحه به غنیمت گرفتند. دقایقی پس از ساعت ۱۵ دروازه اصلی اردوگاه بوخنوالد به تصرف مبارزین درآمد و فاشیست‌ها عقب نشستند. عقر به‌های ساعت بالای دروازه ورودی اردوگاه که امروزه موزه ملی آلمان دمکراتیک تبدیل شده است، هنوز هم این ساعت روز یازدهم آوریل ۱۹۴۵ را نشان می‌دهد...

همه ساله در سالگرد این روز تاریخی، زندانیان سابق بوخنوالد در آن محل، بر فراز تپه‌ای که سالها اسارتگاهشان بود، گرد هم می‌آیند تا سوگندی را که پس از پیروزی قیام مسلحانه خود یاد کرده‌اند تکرار کنند، تا سوگند یاد کنند: "ما آرام نخواهیم گرفت و با همه تاروپود وجود خود برای صلح، ترقی اجتماعی و بهروزی خلق‌ها مبارزه خواهیم کرد، تا زمانی که در سراسر جهان فاشیسم ریشه کن شود."

ملاقات و ایستگن اش به سازمان محلی پاشهری حزبی در بیرون از زندان به عضویت یک گروه سه‌الی پنج نفره از کمونیست‌ها درمی‌آمد. سازمان حزبی اردوگاه، متشکل از این گروه‌ها، بارعایت اکید اصول مبارزه مخفی فعالیت می‌نمود.

وجه‌عمده‌ای از فعالیت کمونیست‌ها در بوخنوالد، کار آموزشی بود. اسناد حزبی و آثار تئوریک بوسیله رفقای که تازه دستگیر شده بودند برای دیگران تشریح می‌گردید. بزودی سازمان حزبی بوخنوالد، شبکه بسیار موثری برای رساندن اطلاعات و اخبار به کلیه اعضای خود به وجود آورد. یکی از زندانیان که زندانیان او را در کارگاهی به تعبیر کیه‌نده‌های رادیویی خود گمارده بودند، هر روز یک



الی یک‌ونهم ساعت به برنامه فرستنده‌های خارجی به ویژه رادیو مسکو، گوش می‌داد و از این طریق، کل اردوگاه زیر پوشش شبکه خبررسانی قرار می‌گرفت.

همبستگی بین‌المللی

از بیست و یک هزار زندانی که هتنام آزادی بوخنوالد در اردوگاه به سر می‌بردند، بیش از چهار هزار اسیر جنگی شوروی، حدود چهار هزار لهستانی، سه هزار فرانسوی، دوهزار تن از اهالی چکسلواکی و ۱۸۰۰ نفر آلمانی بودند.

اوج مبارزه مخفی و سازمان یافته قهرمانان بوخنوالد، تشکیل "کمیته بین‌المللی اردوگاه" بود. در ژوئیه ۱۹۴۲، به ابتکار رهبری سازمان حزب کمونیست آلمان در بوخنوالد، نمایندگان احزاب برادر آلمان، فرانسه، هلند، اتریش، اتحاد شوروی و چکسلواکی بطور پنهانی گرد هم آمدند و کمیته مزیور را بنیاد گذاشتند. این ارگان، که فاشیست‌ها تا آخرین روزهای پیش از آزادی بوخنوالد از آن بی‌خبر بودند، وگایف زیرارافراوری خود قرارداد:

۱- حفظ جان مبارزان بهر طریق ممکن
۲- متحد کردن مبارزان آگاه ضد فاشیست و همه نیروهای مبارز موجود در اردوگاه
۳- هماهنگی سازمان‌های مختلف در مبارزه مشترک
۴- اختلال سازمان یافته و برنامه‌ریزی شده در تولید کارخانه اسلحه‌سازی (زندانیان بوخنوالد بعضاً در این کارخانه واقع در جوار اردوگاه به کار واداشته شده بودند)

دست‌ارک درگیری مسلحانه با اس‌اس

در هفته‌های آینده بشریت ترقیه‌خواه در سراسر جهان چه‌نمین سالگرد نابودی فاشیسم هیتلری را گرامی می‌دارد. سوسیالیسم و در راس آن اتحاد شوروی، طبقه کارگر جهانی و جنبش‌های رهایی بخش ملی، چهل سال پس از رهایی آخرین مناطق اروپا از سلطه فاشیسم و فروپاشی رژیم نازی، توانمندتر از همیشه مصممند همچنان به مبارزه در راه اهداف یکپارچه رهایی بخش ضد فاشیستی ادامه دهند و صلح جهانی، این دستاورد مبارزه خونین مردم شوروی و سایر خلق‌ها در جنگ دوم جهانی را حفظ و تحکیم نمایند.

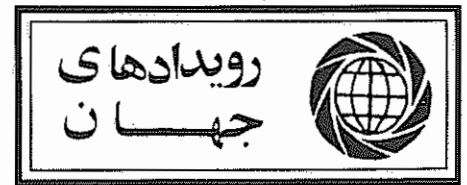
"اکثريت" درصدد است بمناسبت فرار رسیدن هشتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت) سلسله مقالاتی درباره نبرد بزرگ خلق‌ها علیه فاشیسم و درسه‌های آن درج نماید.

مبارزه در اسارتگاه

شاید برجسته‌ترین نمونه یکپارچه علیه رژیم فاشیستی آدولف هیتلر در داخل آلمان، مقاومت جمعی مبارزان ضد فاشیست و در راس آنان کمونیست‌ها در اردوگاه‌ها باشد. در میان این اردوگاه‌ها، بوخنوالد از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. در این اردوگاه، فاشیسم سرسخت‌ترین دشمن خود، از جمله صدها کمونیست و چند تن از رهبران حزب کمونیست آلمان را نگه می‌داشت. شرایط زندگی بوخنوالد مانند سایر اسارتگاه‌های آلمان هیتلری به‌غایت دشوار و کارهای محوله به زندانیان بسیار شاق بود. چهارده‌الی شانزده ساعت کار روزانه توأم با تغذیه ناکافی و بی‌بهداشتی مقاوم‌ترین افراد را از پای در می‌آورد. با این حال، هتنامی که درست چهل سال پیش، در یازدهم آوریل ۱۹۴۵، زندانیان بوخنوالد قبل از رسیدن نیروهای آمریکایی خود را آزاد کردند، متفقین در پیکرهای نحیف و بیمار اسطوره‌های مقاومت را یافتند. خبرنگاران که از کشورهای گوناگون به بوخنوالد آمده بودند، از خود می‌پرسیدند: اس‌را چگونه موفق شدند در برابر شکنجه‌های پایداری کنند؟ چگونه توانستند مقابل جانباختن بایستند؟ از کجا اسلحه بدست آوردند؟ این پیکرهای درهم شکسته و کرسنه به چه چیز امید داشتند؟ نیروی پایان ناپذیرشان و ایمانشان به آینده از کجا نشأت می‌گرفت؟ در آن روزها خبرنگار نشریه "نیواسیسم‌اندیشین" چاپ لندن نوشت: "هیتلر و همسر گمان می‌کردند که هر فرد یا گروه را می‌توان با شکنجه شکست. در بوخنوالد انسانهایی وجود دارند که خلاف این ادعا را به اثبات رسانده‌اند."

سازمان حزبی مخفی

بدون تردید، درخشان‌ترین ویژگی مبارزه زندانیان ضد فاشیست اردوگاه بوخنوالد، فعالیت سازمان یافته آنان بود. اردوگاه بوخنوالد در سال ۱۹۲۷ ایجاد شد. در سال ۱۹۲۹، آلمان نازی با تجاوز به چندین کشور اروپایی جنگ جهانی دوم را آغاز کرد و برای پیشگیری از شکل‌گیری مخالفت گسترده با جنگ در داخل آلمان، ده‌ها هزار تن از مخالفین رژیم را دستگیر و روانه اردوگاه‌ها ساخت. تنها در ماههای سپتامبر و اکتبر ۱۹۳۹، هفتصد کمونیست به بوخنوالد انتقال یافتند. پس از بررسی سوابق هر تازه وارد، وی



گردهمایی فدراسیون جهانی دانشمندان در مسکو

در مسکو چهل و هشتمین اجلاس کمیته اجرایی فدراسیون جهانی دانشمندان، که بیش از ۵۰۰ هزار دانشمند از ۵۰ کشور در آن عضویت دارند، برگزار شد. در این اجلاس ۲۰ نماینده سازمان های دانشمندان ۱۹ کشور شرکت جستند.

فدراسیون جهانی دانشمندان در سال ۱۹۴۶ بنیاد گذاشته شد و برای حل مسایل حرفه ای و اجتماعی مربوط به اعضای خود و نیز حفظ صلح جهانی مبارزه می کنند. از جمله اسناد فدراسیون مزبور، می توان از گزارش های تحقیقی به نام "خطر جنگ هسته ای"، "عواقب جنگ شیمیایی"، "برای صلح و زندگی، علیه جنگ هسته ای" و "از مسابقه تسلیحاتی در فضا باید جلوگیری کرد" نام برد.

پروفسور لکای از دانشگاه لیون (دفرانسه) در اجلاس مسکو خاطرنشان ساخت بزرگترین خطر برای صلح، مسابقه تسلیحاتی است که نیروهای امپریالیستی به راه انداخته اند، مسابقه ای که علاوه بر تأثیرات دردناک بر کشورهای رشد یافته، تأثیر منفی زیادی بر پرورش کادر علمی می گذارد.

در اجلاس مسکو مهمترین اهداف، وتالیف و جهات فعالیت فدراسیون در دوره ای که در پیش است مورد بررسی قرار گرفت، موقعیت کنونی جهان ارزیابی شد و بحث در مورد شرکت فدراسیون در مراسم مربوط به سال جهانی صلح و کارزار جهانی خلع سلاح و نیز کنفرانس بین المللی علمی با اهمیت "دانش و صلح" (مسکو ۱۹۸۶) به عمل آمد. همچنین یکی سلسله اسناد سیاسی به تصویب گردهمایی مزبور رسید.

ادامه توطئه های آمریکاعلیه نیکاراکوئه

واشتنتن به مدخله در امور نیکاراکوئه ادامه می دهد. سازمان "سیا" پس از کوشش های زیاد موفق شد ائتلافی مرکب از ۹ گروه ضد انقلابی با نام "اتحاد اپوزیسیون نیکاراکوئه" به وجود آورد. دولت آمریکا می خواهد ائتلاف جدید را به عنوان "یک سازمان با ثبات سیاسی" جا بزند.

هم زمان با این تحولات، تدارک مدخله مستقیم آمریکا در نیکاراکوئه شدت یافته است. مبلوعات نوشته اند آمریکا انجام مانور بزرگی به نام "یونیورسال تراک" در خاک هندوراس را برنامه ریزی کرده است. در جریان این مانور قرار است بخشی از ساحل اقیانوس المنس که از حیث شرایط آبیهی شیبه به نیکاراکوئه است به اشغال درآید. مطابق سناریوی کاخ سفید، ضد انقلابیون هم زمان با نقظه اوج فعالیت نیروهای آمریکایی در هندوراس تشکیل "دولت موقت" خود را اعلام و از آمریکا "رسم" درخواست کمک نظامی خواهند کرد.

باند های تروریستی که به شمال نیکاراکوئه

رخنه کرده اند، با سببیت بی حد و حصر به دهقانان بی دفاع حمله ورمی شوند. دولت نیکاراکوئه به همین دلیل تصمیم گرفته است اهالی مناطقی را که بیش از سایر نقاط در معرض تجاوز ضد انقلابیون قرار دارد، از این نواحی خارج سازد. نخستین گروه غیرنظامیان شامل ۲ هزار خانوار به نقاط امن انتقال یافته اند.

تحولات در سودان

بنا به گزارش خبرگزاریها در سودان رئیس ستاد ارتش این کشور در روز شنبه ۱۷ فروردین قدرت را در دست گرفت. این در حالی بود که دیکتاتور سودان جعفر نمیری سفر طولانی خود به آمریکا را پایان داده و در حال مسافرت به قاهره و گفتگو با حسنی مبارک بود.

تحولات اخیر در حالی صورت گرفت که مبارزات مردم سودان علیه رژیم نمیری در هفته های اخیر اوج بیسابقه ای یافته و نمیری در جستجوی راه برون رفت از بحران به نزد ریگان رفته بود.

قیام اخیر مردم سودان بدنبال امضای فرمانی از سوی جعفر نمیری دایر بر حذف سوبسید دولتی در مورد برخی کالاها از جمله نان آغاز گردید و در پی آن نان ۲۰ درصد و بنزین ۵۰ درصد افزایش قیمت یافت. این امر قیمت سایر مواد غذایی را نیز بالا خواهد برد. پدیده ای است در کشوری که با فاجعه خشکسالی و گرسنگی روبرو است اینگونه افزایش قیمت ها به اعتراضات گسترده میانجامد. در خارطوم پایتخت سودان تظاهرات و راهپیمایی های وسیعی انجام گرفت. تظاهرکنندگان بیسی سفارت آمریکا در حرکت بودند و شعار می دادند: "مرگ بر صندوق بین المللی پول". صندوق بین المللی پول که تحت سلطه آمریکاست، حذف سوبسید دولتی مواد اولیه غذایی را شرط دادن یک وام میلیونی به سودان قرار داده بود.

قیام مردم سودان با واکنش سرکوبگرانه روبرو شد. پلیس در مقابل با تظاهرکنندگان به اسلحه و گاز اشک آور متوسل شد. ارتش نیز به کمک پلیس آمده و نقاله پررفت و آمد شهر را تحت کنترل گرفت. ۲۶۰۰ نفر دستگیر و تعداد زیادی کشته شدند.

در حالیکه نمیری در واشنگتن سرگرم مذاکره با ریگان بود، پزشکان سودان در اعتراض به رفتار خشونت آمیز پلیس و ارتش دست از کار کشیدند. پیش بینی می شد که کارکنان دیگر رشته هانیز به این اعتصاب بپیوندند.

تشدید تحریکات ضد افغانی پاکستان

در هفته های اخیر حملات و سایر تحریکات مسلحانه نیروهای پاکستانی علیه افغانستان افزایش بی سابقه ای یافته است. وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان اواخر اسفندماه گذشته طی یادداشتی به پاکستان بابت این گونه اعمال نیروهای مسلح مستقر در نزدیکی شهر افغانی باریکوت، استان کنار، اعتراض نمود. در این یادداشت آمده است این واحدها خاک افغانستان را بیبوسته با سلاح های سنگین زیر آتش می گیرند. مثلاً در روز پانزدهم اسفند در جریان به توپ بستن پادگان و محله مستونی باریکوت یک نفر کشته، یازده غیرنظامی مجروح و ۵ خانه ویران شدند. افغانستان خواستار آن گردیده که

به این تحریکات فوراً پایان داده شود. لازم به یادآوری است در خاک پاکستان که از آن، جنگ اعلان نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان در جریان است، ۱۲۰ اردوی ضد انقلابیون افغانی وجود دارد. علاوه بر ۲۰۰ "مستشار" آمریکایی، مربیان پاکستانی و ماموران سرویس امنیتی این کشور سرگرم آموزش دادن به اشرار افغانی و گسیل داشتن آنان به خاک جمهوری دموکراتیک افغانستان می باشند.

از سوی دیگر خبرگزاری تاس گزارش داد در جریان دیدار بیست و سوم اسفند میان میخائیل گرباچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی و ضیاالحق رئیس جمهور پاکستان، از سوی طرف شوروی سیاست پاکستان که از خاک آن اعمال تجاوزکارانه علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان انجام می گیرد، مورد بررسی اصولی قرار گرفت و تأکید گردید این امر تأثیر منفی بسیار زیادی بر مناسبات اتحاد شوروی و پاکستان خواهد گذاشت.

رئیس جمهور جدید یونان انتخاب شد

پارلمان یونان با ۱۸۰ رای لازم برای انتخاب رئیس جمهوری، کریستوس سارستاناکیس را به جای کنستانتین کارامانلیس به سمت رئیس کشور انتخاب نمود. سارستاناکیس شهرت خود را در دهه شصت زمانی بدست آورد که در مقام قاضی دادگستری، نقش دوتن از عالیرتبه ترین افسران ژاندارمری را در قتل لامبراکیس وکیل مترقی مجلس افشا نمود. پس از روی کار آمدن دیکتاتوری سرنگها در آوریل ۱۹۶۷، سارستاناکیس دوسال در زندان بسربرد و تحت شکنجه قرار گرفت.

فلوراکیس دبیر کل حزب کمونیست یونان انتخاب کریستوس سارستاناکیس به سمت ریاست جمهوری یونان را "پیروزی نیروهای دموکراتیک" خواند. حزب دست راستی "دمکراسی نو" که کارامانلیس رئیس جمهور سابق عضو آن است، به مقاومت شدیدی در برابر انتخاب سارستاناکیس به سمت رئیس جمهوری دست زده بود.

قتل رهبر سندیکای معلمین شیلی بدست عوامل رژیم پیئوشه

در شیلی مانوئل گرو، رهبر سندیکای معلمین این کشور بدست عوامل رژیم فاشیستی پیئوشه به قتل رسید. وی که همراه با چند تن از همکاران خود ربوده شده بود، مخفیانه توسط شکنجه گران کشته شد و جسدش در بیرون شهر سانتیاگو کشف گردید.

تشییع جنازه رهبر سندیکای معلمین شیلی به تظاهرات پر قدرتی علیه رژیم تبدیل شد. مانوئل گرو و خوزه مانوئل پارادا یکی از فعالین سازمان حقوق بشر کاتولیک که او نیز اخیراً بدست رژیم پیئوشه کشته شد، هر دو عضو حزب کمونیست شیلی بودند. کاردینال سیلوا ریکز، مقام عالیرتبه کلیسای کاتولیک شیلی برای مقتولین موعظه ای ایراد نمود.

فرد سومی که پیکرش همراه با دو نفر دیگر یافته شد، ناتالیو آنده نقاش شیلیایی بود. مرگش در شیلی شگنجه شده و کلوپشان بریده شده بود. در شیلی هیچ کس تردید ندارد که س.ا.ا.ی، سرویس امنیتی مخوف پیئوشه مسئول قتل این سه نفر است.

مصاحبه "اکثريت" با رفيق سلطان ادرش، عضو کمیته مرکزی حزب سوسیالیست یمن

صراحت گفت که اتحادیه های صنفی یمن دموکراتیک فعالیتهای خود را بخاطر ترقی و ایجاد تحول در زندگی کارگران و دهقانان تحت رهبری حزب سوسیالیستی یمن دموکراتیک به پیش برده و خواهد برد.

س: لطفاً نظر خود را در رابطه با جبهه پایدار و دورنمای آن بیان نمایید.

ج: باید بگویم که در این لحظات حساس در کشورهای منطقه خلیج و کلا در کشورهای عربی دسایس و توطئه های زیادی از جانب امپریالیسم و صهیونیسم جریان دارد. توطئه امپریالیستها و در رأس آن امپریالیسم آمریکا این است که می خواهند نفوذ خود را در منطقه کشورهای عربی افزایش دهند، ثروت های ملی منطقه را به انحصار خود در آورند، زمینه را برای غارت انحصارات اروپایی و آمریکایی مساعد سازند. حمله به سازمان آزادیبخش فلسطین در واقع حمله به تمام کشورهای عربی تلقی می گردد. بر همین اساس امپریالیسم آمریکایی خواهد امکانات فراوانی را اعم از این که در مصر باشد یا اسرائیل یا اردن و یا دیگر کشورها در اختیار خود داشته باشد و به خاطر وجود همین توطئه ها و دسایس است که اعضا جبهه پایدار یاری باید با هم متحد گردند تا بتوانند با نیرو و توان بیشتری در مقابل تمام نقشه ها و توطئه های امپریالیسم مبارزه نموده و از سازمان آزادی بخش فلسطین دفاع نمایند. ما باید از دستاوردهای بزرگی که کشورهای مترقی عرب به دست آورده اند حفاظت نماییم. خط مشی یمن دموکراتیک نسبت به ایجاد جبهه پایدار ی در منطقه و در خلیج فارس و هم چنین در رابطه با اختلافاتی که در منطقه وجود دارد واضح و روشن است. ما در مجموع تمامی نیروهای ملی و دموکراتیک را در منطقه تأیید و حمایت می کنیم و نظراً این است که جبهه پایدار ی در این منطقه باید به خاطر منافع خلق های خاورمیانه با خط مشی واضح ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی هر چه بیشتر تحکیم یابد. نظر ما این است که کشورهای این منطقه باید با یکدیگر متحد شده و در تحکیم نیروی خود بکوشند.

در سال ۱۹۵۶ تحت رهبری حزب ایجاد و مبارزه خود را آغاز نمود. اتحادیه های صنفی در مبارزه با استعمار بریتانیا و انحصارات کشورهای غربی نقش بسیار با اهمیتی بر عهده داشتند و در مبارزه آزادیبخش نقش فعالی را ایفا کردند. تعداد زیادی از کارگران و اعضا اتحادیه های صنفی در این مبارزه به شهادت رسیدند. امروز اتحادیه صنفی تمام برنامه های خود را تحت رهبری حزب به پیش میبرد. آنها بخاطر بالا بردن سطح اقتصاد کشور و بخاطر ایجاد زندگی بهتر برای مردم مبارزه میکنند و نقش عمده و اساسی را در تحول و ترقی کشور دارا هستند. اتحادیه های صنفی در تمام موسسات کشور خواه کارگری و خواه اداری مراکز خود را ایجاد کرده اند. اتحادیه های صنفی در تحریری برنامه اقتصادی سهیم هستند. در رابطه با خواستهای کارگران اکثر اتحادیه ای توسط خود کارگران جهت طرح خواسته هایشان تشکیل گردد، اتحادیه صنفی بعنوان یک سازمان اجتماعی در آن شرکت می کند. بین اتحادیه صنفی و کمیته کارگری روابط بسیار گسترده ای وجود دارد.

اتحادیه صنفی ما عضو سازمان جهانی کار بوده و عضو اتحادیه های صنفی کشورهای عربی است. اتحادیه های صنفی ما با اتحادیه های صنفی کشورهای عربی و بخصوص با کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی همچنین با همه سازمانها و اتحادیه های صنفی در دیگر کشورهایی که با انقلاب به پیروزی رسیده اند از جمله افغانستان و کوبا روابط بسیار نزدیک و حسنه ای دارند. سال آینده در یمن دموکراتیک برنامه پنجساله اقتصادی کشور به پایان خواهد رسید. به همین جهت کارگران و دهقانان بخاطر تطبیق هر چه بیشتر برنامه اقتصادی پنجساله فعالیت می کنند. همچنین اتحادیه های صنفی یمن دموکراتیک بر آن است که بمناسبت دومین کنفرانس حزب یمن دموکراتیک با بیشترین توان خود کار کند تا کشور به پیشرفت و دستاوردهای بس بزرگی در عرصه اقتصادی نایل آید.

اتحادیه های صنفی در زمینه منافع کارگران امتیازات مهمی بدست آورده است. نتیجتاً میتوان با

همان گونه که خوانندگان عزیز مطلع هستند اخیراً در منطقه کوشش های تازه ای به منظور تحکیم جبهه پایدار ی صورت گرفته است، که طی آن نمایندگان دولت های مترقی منطقه مذاکراتی پیرامون این امر انجام داده اند. از جمله شرکت کنندگان در این مذاکرات نمایندگان دولت یمن دموکراتیک بوده اند. به منظور آشنایی با زمینه این تحولات در این شماره، مصاحبه خبرنگار اکثريت را با رفيق سلطان ادرش عضو کمیته مرکزی حزب سوسیالیستی یمن را درج می کنیم. رفيق ادرش در این مصاحبه ضمن پاسخ به سؤال خبرنگار اکثريت در رابطه با جبهه پایدار ی، پیرامون جنگ خانمان سوز میان ایران و عراق نیز به اظهار نظر پرداخت. نظر رفيق ادرش نسبت به جنگی که روزگار مردم میهن ما و مردم عراق را سیاه کرده است این بود که "این جنگ هر چه زودتر باید پایان گیرد".

سلطان ادرش در عین حال رییس اتحادیه های صنفی یمن دموکراتیک است. او بنا به تقاضای خبرنگار ما نحوه عمل این اتحادیه را تشریح نمود. در زیر متن این گفتگو را می خوانید.

س: لطفاً نظر خود را در رابطه با جنگ ایران و عراق بیان بفرمایید.

ج: ما از همان روز نخست در این رابطه سیاست معین و مشخصی را داشتیم. از ابتدای ایجاد جنگ بین ایران و عراق معلوم بود که از این جنگ امپریالیسم و ارتجاع بیشترین فایده را می برند. مردم هر دو کشور ایران و عراق خسارات زیادی را در اثر این جنگ متحمل شده اند. هر دو کشور نمیتوانستند نیرویی را که در این جنگ تلف شد، در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم بکار گیرند. نظر من در رابطه با جنگ ایران و عراق اینست که این جنگ هر چه زودتر باید پایان گیرد و صلح سراسری و پایدار در این منطقه از خاورمیانه بوجود آید.

س: از آنجایی که شارژیس اتحادیه های صنفی یمن دموکراتیک هستید، میخواستم شمه ای از وضعیت اتحادیه های صنفی را در یمن بازگو نمایم؟
ج: اتحادیه های صنفی در یمن دموکراتیک

جشن اول ماه مه را هر چه باشکوه تر برگزار کنید!

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی بین المللی کارگران، روز عید و جشن و شادمانی آنان است. اول ماه مه بر شما مبارک باد! رژیم خمینی تلاش می کند از جشن و سرور شما در این روز جلوگیری کند. با برگزاری هر چه گسترده تر جشن اول ماه مه تلاشهای رژیم را خنثی کنید. جشن خود را به عرصه افشای رژیم تبدیل کنید!

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

دوستان و خوانندگان نشریه

در شهر مدیسون (آمریکا)

تأمین کردند

AKSARIYAT

NO. 51

MONDAY APR. 8, 85

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!